

# هفته

سال اول - شماره ۴۲ - جمعه ۷ فروردین ۱۳۸۸ - ۲۷ مارس ۲۰۰۹



او برای وصل کردن آمده بود  
به یاد دکتر سید ضیال‌الدین شادمان

◀ گفت وگویی اختصاصی با  
امیر خدیر، نماینده مجلس  
کبک:  
دولت لیبرال به مردم دروغ  
می گوید

◀ گفت وگو با  
دکتر کاظم ودیعی در باره  
دکتر ضیال‌الدین شادمان

◀ یک داستان کوتاه:  
"رخساره"

تلويزيون سامسونگ ۷۹۹ دلار  
 Samsung 40"  
 LA40A450  
 720p LCD HDTV  
 Regular Price: \$999  
**Our Price: \$799**

# آديو ويدئو بېك

تلويزيون پاناسونيك ۹۹۹ دلار  
 Panasonic Viera  
 TC-37LZ85  
 1080p LCD HDTV  
 Regular Price: \$1,199  
**Our Price: \$999**



سيستم صوتي  
 Yamaha  
 RX-V363  
 5.1-Channel  
 Home Theater Receiver (Black)  
 Regular Price: \$899  
**Our Price: \$699**



نصب حرفه‌ای بر اساس نیاز شما  
 با مشاور متخصص فارسی زبان در خدمت شما

**Tel: (450) 691-8801**  
**Fax: (450) 691-4086**  
 46, boul. St-Jean-Baptiste  
 Châteauguay, QC J6K 3A4



**حراج حراج حراج**  
 تلويزيون و  
 دستگاه های صوتی  
 آخرین فرصت: تعداد  
 دستگاه های حراج شده  
 محدود است

**SONY YAMAHA Panasonic SAMSUNG Paradigm**

ALL KINDS OF CARS FOR ALL KINDS OF BUDGETS



# AUTO HIGHLANDER

با مدیریت ایرانی



**\$6,600**

**Hyundai Accent 2004**  
 Financing available  
 Version: GS  
 Kilometer: 16,168 Km  
 Traction: Traction Avant  
 Color: Gray  
 Doors: 2  
 Transmission: Automatic



**\$5,700**

**Chevrolet Venture 2005**  
 Financing available  
 Version  
 Kilometer: 76,280 Km  
 Traction: Traction Avant  
 Color: Dark Blue  
 Doors: 5  
 Transmission: Automatic



**\$9,200**

**Honda Odyssey 2003**  
 Financing available  
 Version: LX  
 Kilometer: 123,300 Km  
 Traction: Traction Avant  
 Color: Silver  
 Doors: 5  
 Transmission: Automatic



**\$6,200**

**Volvo CS70 2000**  
 Financing available  
 Version:  
 Kilometer: 177,650 Km  
 Traction: Traction avant  
 Color: Taupe  
 Doors: 4  
 Transmission: Automatic



• All cars with safety inspection  
 • All cars are detailed (shampooing & wax)  
 • All cars carry 6 months powertrain Warranty (PAP)

**AUTO HIGHLANDER**

Check Our Large Inventory at:

Tel : 450.465.0886 MTL 514.990.2500

Fax : 450.465.9512

1080 Victoria, Lemoyne (LONGUEUIL) (Montérégie) J4R 1P7

**www.autohighlander.com**



در این شماره:

- صفحه ۴ سخن هفته: «به می سجاده رنگین کن» در رثای دکتر سید ضیاءالدین شادمان / علی اشرف شادپور
- صفحه ۵ اخبار کانادا و کبک
- صفحه ۸ اخبار مونترال ایرانی
- صفحه ۱۳ گفت وگویی اختصاصی با دکتر امیر خدیر / علی شریفیان
- صفحه ۱۵ دکتر شادمان برای وصل کردن آمده بود / گفت وگو با دکتر کاظم ودیعی / مرضیه رحمانی
- صفحه ۱۷ ترا چون بخارا دوست دارم ای پیر تهرانی! / یوسف امیری
- صفحه ۱۹ از خوانندگان/ داستان کوتاه: «رخساره» / حمید بهرامی
- صفحه ۲۰ صفحه ادبی: بررسی رمان «رسوایی» / احسان دانشیار
- صفحه ۲۱ مدیریت مغز: از احساسات خود استفاده مثبت کنید / بخش ۱۶ / فرحناز حیدرپور
- صفحه ۲۲ صفحه فناوری: تک قطبی بازار، حتا برای تلفن‌های هوشمند / مصطفی مدیر روستا
- صفحه ۲۳ صفحه سبز: اقدامی عجیب برای حفظ گور ایرانی / اسرا طوبایی
- صفحه ۲۴ ورزش: در سوگ دکتر ضیاء الدین شادمان ادیب و ورزشکار ملی کشورمان / هادی متبسم
- صفحه ۲۴ ورزش: هشت فروردین روز حذف یکی از گول‌های غرب آسیا در استادیوم آزادی / پیمان سلیمی
- صفحه ۲۹ شناسنامه و فهرست انگلیسی و فرانسه



## ارسال ارز به ایران و سایر نقاط جهان

**514-485-6000**

با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی

6520 St.Jaques  
1405 de Maisonneuve O  
5774 Sherbrooke W



## دکتر شریف نائینی جراح دندان پزشک

**514-731-1443**

DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳  
DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

5450 Cote des neiges  
Suite 308  
Metro: CDN

## دفتر حقوقی علی غلامپور وکیل دادگستری، بویژه در زمینه های

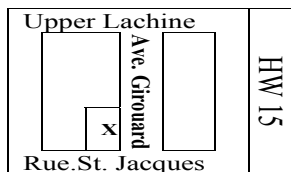
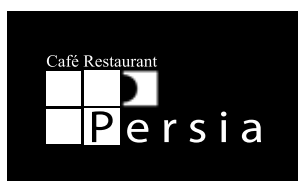
حقوق خانواده، دعاوی مالی، حقوق پزشکی  
و مهاجرت از طریق سرمایه گذاری  
در خدمت هموطنان گرامی است

**Tel: (514) 395-0522**

Fax: (514)395-0524

180 Boul. Rene-Levesque Est, Bureau 109, Montreal, QC H2X 1N6

[aligholampour@lawyer.com](mailto:aligholampour@lawyer.com)



## انواع شیرینی عید خانگی و همه گونه شیرینی و آجیل عید موجود است.

936 Girouard (corner of St.Jacques)  
Montreal, H4A 3C1 Tel: (514)-489-8484

## پرشیا

کافه رستوران و Take Out

سفارشات غذا و شیرینی برای مجالس پذیرفته می‌شود

ساعت های کار:

دوشنبه تا جمعه: ۷.۳۰ صبح تا ۷.۰۰ شب

شنبه: ۸.۳۰ صبح تا ۴.۰۰ بعد از ظهر

یکشنبه: تعطیل

پرشیا همان تیم کیتینگ دنیا در مکان جدید است.

چکاوک هفته

سال یکم - شماره ۴۲

جمعه ۷ فروردین ۱۳۸۸

۲۷ مارس ۲۰۰۹

ناشر: مجله هفته

ویراستاران: لیلی خاقانی و یوسف امیری  
سرمدبیر: خسرو شمیرانی

مدیر هنری و طراح جلد: به روز زمانی

صفحه‌آرایی: BehGraphics.com

عکاس: رضا بلادی

عکس روی جلد: عکاسی فتوشاپ

◀ گروه نویسندگان:

یوسف امیری، مسعود باستانی، محمد جباری حق،  
پاشا جواد، پیمان سلیمی، سلمان شاکری فرد،  
علی شریفیان، حمیده غیاثوند، تینا فرشاد گوهر،  
نگار قدیمی و مصطفی مدیرروستا

◀ با سپاس ویژه از همکاران این شماره:

حمید بهرامی، احسان دانشیار، فرحناز حیدرپور،  
مرضیه رحمانی، علی اشرف شادپور، اسرا طوبایی،  
هادی متبسم و طاهره متبسم

● هفته از همه‌ی علاقه‌مندان دعوت به  
همکاری می‌کند.

● برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.

● هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد  
است.

● نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

● استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز  
به کسب اجازه دارد.

● درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه  
مسئولیتی متوجه هفته نیست.

TD Canada Trust  
Chacavac Cultural Centre  
Transit #: 0515  
Account #: 5209119

6960 Sherbrooke W suite 15  
Montreal QC H4B 1R2  
(514)787-8848  
info@hafteh.info  
editor@hafteh.info  
ad@hafteh.info

ISSN 1918-4379 HafteH

## «به می سجاده رنگین کن» در رثای دکتر سید ضیاءالدین شادمان\*

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید/ که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها.  
این نخستین کلامی بود که دکتر شادمان خطاب به من گفت.

در اولین سال‌های اقامت در مونترال در جلسه‌ای ادبی شخصی که درباره‌ی مولوی صحبت می‌کرد چند بار اصطلاح «پیر مغان» را بر زبان آورد. در وقت طرح سؤالات توضیح پیر مغان را از سخنران خواستم. در همین هنگام شخصی با موهای سپید که یک ردیف جلوتر از من و مقابل من نشسته بود به طرف من برگشت و چشمان نافذ خود را به چشمان من دوخت و این بیت را خواند: به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید/ که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها.

وقتی که جوان بودم شنیده بودم که نام کاپیتان تیم ملی بسکتبال ایران شادمان است. سال‌ها بعد شنیدم که دکتر شادمان شهردار تهران شده است اما فکر نمی‌کردم که این هر دو، یک نفر باشند و هرگز فکر نمی‌کردم که روزی با این شخص دوست صمیمی باشم. آنچه بیش از همه دور از ذهن بود این که روزی در رثای او بگویم و بنویسم. ژرفای این دوستی تا آنجا رفت که بارها و بارها به من گفت: «شادپور! تو مانند برادر من هستی» و این تنها او نبود که چنین احساسی داشت.

دکتر شادمان شیفته‌ی مردم بود و همیشه می‌خواست در میان مردم باشد و مردم نیز شیفته‌ی او بودند. هنگامی که او بیمار می‌شد و کارش به بیمارستان می‌کشید سیل دسته‌های گل و ملاقات‌کننده از زن و مرد و پیر و جوان از محبوبیت اجتماعی او حکایت می‌کرد. مهربانی و سلوک با مردم او را به قطبی پرجاذبه تبدیل کرده بود. هر کس که مدت کوتاهی با او افت و خیز می‌کرد نمی‌توانست از میدان جاذبه‌ی محبت او فرار کند. مخصوصاً جوانان علیرغم فاصله‌ی سنی زیاد مانند پروانه گرد شمع وجودش به پرواز درمی‌آمدند.

دکتر شادمان سنگ صبور همه بود. هر مشکلی پیش می‌آمد برای گرفتن راهنمایی و حل آن به او مراجعه می‌کردند. هرگز ابرو در هم نمی‌کشید. همه را با گشاده‌روی می‌پذیرفت و به حرف‌شان گوش می‌داد و در حد توان خود مشکل‌گشایی می‌کرد یا دست کم قوت قلب می‌داد. دوستانش او را تکیه‌گاه محکمی می‌دانستند.

دکتر شادمان به ایران و هر آنچه معرف ایران بود علاقه‌ی زیادی ابراز می‌کرد. یکی از دوستداران او که از اهالی تاجیکستان است [روشن تیموریان، رییس انجمن تاجیکان در کانادا] می‌گوید: «دکتر شادمان با جمع کردن مردم ایران و افغانستان و تاجیکستان در کنار هم، ایران بزرگ باستانی را در مونترال بازسازی کرد.» عشق دیگرش نوروز بود. روز چهارم فروردین در خانه‌اش به روی تمام ایرانیان و غیرایرانیان باز بود. اکنون او دیگر در میان ما نیست. مانند بی‌سرپرستان با سقوط آزاد به خلأ افتاده‌ایم. آیا این خلأ پرشدنی است؟

جلسه‌ی حافظ‌خوانی که بعدها نام «انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران» را به خود گرفت با همت والای او و با تشریک مساعی دوستانش پا گرفت و با استواری و مداومت و پیگیری باورنکردنی او پایدار ماند. ما نتوانستیم دکتر شادمان را مدت بیشتری زنده نگه داریم. امیدوارم بتوانیم این دست پرورده‌ی او را - که همه به آن عشق می‌ورزید - سرپا نگه داریم.

\* این نوشته بخشی از سخنرانی آقای علی اشرف شادپور در مراسم ترحیم دکتر ضیاءالدین شادمان است که توسط تحریریه هفته برای انتشار در این ستون کوتاه شده است.

# اخبار کانادا و کبک



■ علی شریفیان

## شرط لازم شهروندی کانادا: یکی از دو زبان انگلیسی یا فرانسه



بنا بر گزارش خبرگزاری کانادا، جیسون کنی وزیر مهاجرت، شهروندی و امور چند فرهنگی روز جمعه هفته گذشته در کنفرانسی در کالگری آلبرتا در سخنرانی اش اعلام کرد که برای بدست آوردن «شهروندی» کانادا، مهاجران باید یکی از دو زبان رسمی کشور را بدانند. جیسون کنی در این سخنرانی خاطر نشان کرده این شرط، شرط اجباری «شهروندی» شدن است. گذاشتن این شرط برای گرفتن شهروندی کانادا از سوی گروه زیادی مورد انتقاد قرار گرفته و غیر منطقی و در عمل غیر ممکن توصیف شده است. خانم الیویا چاو Olivia Chow نماینده ان دی پی در مجلس و منتقد امور مهاجرت در انتقاد خود از این تصمیم

جیسون کنی گفته است: «دانستن زبان مهم است اما نباید به عنوان تنها شرط (گرفتن شهروندی) در نظر گرفته شود.» وی در قسمت دیگری از انتقادات خود گفته است که دولت باید امکان یادگیری زبان را برای مهاجرین به صورت گسترده تری فراهم کند بعداً دانستن زبان را شرط اجباری برای گرفتن «شهروندی» اعلام کند.

## ورود جورج گالووی نماینده مجلس بریتانیا به کانادا ممنوع!

اداره مهاجرت کانادا از ورود جورج گالووی نماینده مجلس عوام انگلستان به کانادا جلوگیری کرد. مقام های وزارت امور خارجه دولت فدرال گفته اند که به دلایل امنیتی از سفر گالووی به کانادا جلوگیری کرده



اند. این مقام ها به خبرنگاران توضیح دادند که حمایت جورج گالووی از جنبش اسلامی حماس در فلسطین، دلیل اصلی جلوگیری از ورود او به کانادا بوده است.

حماس در فهرست سازمان های تروریستی کانادا قرار دارد.

جورج گالووی با انتشار بیانیه ای از دولت کانادا انتقاد و شکایت کرده است. این نماینده مجلس عوام بریتانیا از منتقدان جنگ عراق بوده است و در سال ۲۰۰۳ به دلیل مخالفتش با شرکت کشورش در حمله به عراق از حزب کارگر بریتانیا اخراج شد. گالووی از سربازان بریتانیایی که در جریان حمله به عراق و اشغال آن شرکت کرده اند، خواسته بود تا از جنگیدن خودداری کنند.

جورج گالووی پیش از حمله به عراق بارها در زمان حکومت صدام حسین به بغداد سفر کرده و با مقام های دولتی عراق ملاقات داشته است. وی در تظاهرات ضد جنگ در بریتانیا هم شرکت فعالانه داشته است.

## کسری بودجه کبک: چهار میلیارد دلار

بنا بر گزارش گلوب اندمیل از شهر کبک، ژان شاره در یکصد روز سومین دوره نخست وزیری خود با دشواری ها و انتقادات بسیاری روبرو بوده است. نمایندگان احزاب اپوزیسیون شاره را به شدت در مورد ضرر هنگفت ۴۰ میلیارد دلاری «صندوق سپرده های بازنشستگی» (Caisse de dépôt et placement du Québec) مورد انتقاد قرار داده اند و او را مسئول این ضرر هنگفت و بی سابقه دانسته اند. بعد از انتقادات شدید در این باره اکنون نخست وزیر دولت لیبرال با انتقادات بیشتری در مورد لایحه بودجه ای که روز پنج شنبه هفته گذشته به مجلس ارائه شد، روبرو شده

## CanPars Immigration Services



## مهاجرت

از طریق نیروی متخصص، خویشاوندی و سرمایه گذاری (فقط با ۱۲۰ هزار دلار)



## علی مختاری

عضو رسمی CSIC  
(شماره پروانه M۰۸۴۷۷۴)  
عضو کانون وکلای دادگستری تهران  
(شماره پروانه ۷۳۴۱)

آیا در ایران مشکل حقوقی یا اداری دارید؟  
ملک شما را تصاحب کرده اند؟  
قربانی کلاهبرداری شده اید؟  
از وضعیت خروج خود از مرزهای ایران بی اطلاعید؟  
.....

هر گونه مشکل حقوقی یا اداری خود را در ایران با ما در میان بگذارید. تیم کنپارس در ایران با همکاری وکلای زبده به سرپرستی علی مختاری آماده حل مشکل شماست...

دفتر تهران: 8867-7108 & 09  
8820-7717 & 18

دفتر مونترال: (514) 651-4726  
1980 Sherbrooke w, Suite900. Montreal, H3h1E8

info@parscanada.com  
www.parscanada.com

جهان گشوده Riley Rose Hawthorns نامگذاری کرده است. Rose نام خیابانی است که این نوزاد دختر در پیاده رو آن بدنیا آمد.

## «ستاره های مونترال» قهرمان شدند

شنبه گذشته این تیم توانست در مسابقه نهایی برای بدست آوردن این جام که برای اولین بار برگزار می شود با نتیجه سه بر یک تیم هاکی زنان مینه سوتای آمریکا را شکست دهد و به قهرمانی برسد.

این جام به نام خانم «آدریان کلارکسون» فرماندار کل پیشین کانادا نامگذاری شده است. خانم کلارکسون پس از پیروزی «ستاره های مونترال» در مسابقه نهایی در کینگزتون انتاریو جام را به کاپیتان تیم اهداء کرد. زمانی که خانم کلارکسون فرماندار کل کانادا بود چند بار گفته بود باید زنان هم مانند مردان یک لیگ هاکی داشته باشند.

## اعتراض کانادایی ها به فاکس نیوز



در برنامه Red Eye که ساعت سه بامداد ۱۷ مارس پخش شد، «گرگ گاتفلد» مجری این شوی تلویزیونی فاکس آمریکا و دیگر همکاران و میهمانان برنامه اش ارتش کانادا را به مسخره گرفتند و همینطور پلیس آر سی ام پی و مردم کانادا را هم موضوع شوخی های خود قرار دادند.

بدنبال پخش این برنامه هزاران کانادایی به شکل های مختلف و از جمله با ارسال پیام الکترونیکی (E.Mail) به مجری این برنامه و مدیران شبکه تلویزیونی FAX به شدت اعتراض کردند. پیت مک کی وزیر دفاع دولت فدرال ضمن انتقاد از پخش این برنامه آنرا «مزخرف» خواند. زمانی این برنامه پخش شده که چهار سرباز کانادایی جمعه گذشته در ماموریت افغانستان جان باخته اند و شمار تلفات انسانی ارتش کانادا در افغانستان به ۱۱۶ نفر رسیده است. کانادا از این نظر از



داده شده است. قرار است صدها نفر برای انجام این کار استخدام شوند. در حال حاضر بطور متوسط ۲۸ روز طول می کشد که به ۸۰ درصد تقاضانامه های گرفتن بیمه بی کاری رسیدگی شود و به متقاضی پاسخ داده شود.

روز سه شنبه این هفته عمده وقت «زمان پرسش و پاسخ» در مجلس با بحث و مناظره درباره «بیمه بیکاری» گذشت. جک لیتون رهبر ان دی پی در انتقاد از دولت فدرال گفت: «تا ماه ژانویه در حالی که یک میلیون و ۳۱۰ هزار نفر شغل های خود را از دست داده اند تنها ۵۷ درصد از آنها توانسته اند بیمه بیکاری دریافت کنند.»

بر اساس آماری که بوسیله اداره آمار منتشر شده است دریافت کنندگان بیمه بیکاری در ماه ژانویه به ۵۶۰ هزار و ۴۰۰ نفر رسید که چهار و چهاردهم درصد یا ۲۳ هزار و ۷۰۰ نفر از ماه دسامبر بیشتر بوده است. انتاریو بیشترین تعداد گیرندگان بیمه بیکاری را به خود اختصاص داده و بعد از این استان، آلبرتا و بریتیش کلمبیا قرار دارند.

## زنی در پیاده رو نوزادش را بدنیا آورد!



روز سه شنبه هفته گذشته خانم جوانا هاو ترن در حالی که همراه همسرش در شهر کلونا در بریتیش کلمبیا عازم بیمارستان عمومی این شهر بود پیش از وارد شدن به بیمارستان دردهای زایمانش شروع شده و در پیاده رو نوزادش بدنیا آمد. این دومین فرزند خانم هاوترن است. وی دو سال پیش فرزند پسرش بدنیا آورده است. پدر این نوزاد دختر که در پیاده رو بدنیا آمد، وی را به نام خیابانی که در آنجا چشم به

است. در این بودجه که برای سال مالی ۲۰۱۰-۲۰۰۹ برنامه ریزی شده، کبک با چهار میلیارد دلار کسری روبروست. گروهی از کارشناسان می گویند رقم کسری بودجه به شش میلیارد دلار خواهد رسید. شاره در پاسخ به انتقادات گفته است براساس برنامه پنج ساله انجام نوسازی زیر ساخت های بنیادی کبک که بودجه ای برابر ۴۲ میلیارد دلار برای آن در نظر گرفته شده ، این استان در سال ۲۰۱۰ کسری بودجه اش برطرف خواهد شد.

## افزایش پشتیبانی از لیبرال ها



براساس نظر سنجی که بنگاه نظر سنجی Nanos Research برای روزنامه های تورنتو استار و لاپرس انجام داده، یافته ها نشان می دهد که بطور متوسط در سطح ملی ۳۶ درصد کانادایی ها از لیبرال ها حمایت می کنند در حالی که محافظه کاران از ۳۳ درصد پشتیبانی مردم برخوردارند. در انتاریو که ۱۰۶ کرسی در مجلس دارد فاصله لیبرال ها از محافظه کاران از نظر مقبولیت آنها در میان مردم بسیار بیشتر است. در این استان ۴۴ درصد مردم از لیبرال ها و ۳۱ درصد از محافظه کاران حمایت می کنند.

در انتخابات ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸ لیبرال ها ۳۳/۸ درصد و محافظه کاران ۳۹/۲ درصد آرای انتاریو را بدست آوردند. در این نظر سنجی بین ۱۳ تا ۱۸ مارس انجام شده است. بعد از این دوحزب ۱۳ درصد شرکت کنندگان در نظر سنجی از ان دی پی و ۱۰ درصد از «حزب سبز» حمایت کرده اند.

## صدها استخدام جدید برای بررسی تقاضاهای حقوق بیکاری

خانم دایان فینلی وزیر منابع انسانی و مسئول بیمه های بیکاری روز سه شنبه در مجلس اعلام کرد که ۶۰ میلیون دلار بودجه ویژه برای بهبود و سرعت بخشیدن به بررسی تقاضانامه های «بیمه بیکاری» اختصاص





تمام کشورهایی که در افغانستان نیرو دارند و از جمله ایالات متحده بیشتر قربانی داده است. «گرگ گانفلد» با انتشار بیانیه ای از شوخی کردن با ارتش و پلیس کانادا پوزش خواسته است. یکی از همکاران این برنامه داگ بنسون که کمترین است قرار بود که بین دوم تا پنجم آوریل در ادمونتون برنامه اجرا کند، پس از این برانگیختن خشم مردم با شرکت در این برنامه تلویزیونی اجرای برنامه هایش در ادمونتون بوسیله مدیر برگزار کننده این برنامه ها لغو شد. این قسمت از برنامه تلویزیونی Red Eye روی وب سایت youtube.com قرار داده شد و تنها در این وب سایت بیش از ده هزار نفر با نوشتن نظرات خود به

روز سه شنبه صبح مدیران جشنواره مشهور فیلم "Hot Docs" تورنتو جزئیات، چگونگی و نام و برنامه نمایش فیلم های شانزدهمین دوره این جشنواره را اعلام کردند. در مجموع ۱۷۱ فیلم مستند از میان چند صد فیلمی که برای نمایش در این جشنواره به دفتر آن رسیده، انتخاب شده اند. این فیلمها در ده سینمای تورنتو از ۳۰ آوریل تا دهم ماه مه به نمایش گذاشته می شوند. بنا به گفته مدیران جشنواره فیلم «هات داکس» این دوره از جشنواره با ترکیبی از متنوع ترین فیلم های مستند برگزار می شود. آنها اظهار امیداری کرده اند که جشنواره امسال مورد توجه علاقمندان به



## یک نظر سنجی از تورنتو استار دانستن زبان و شهروندی کانادا

آیا شما با این موضوع موافق هستید به مهاجرانی که انگلیسی یا فرانسه را بخوبی نمی دانند، «شهروندی» کانادا داده نشود؟

بله : ۳۳۱۹ نفر، ۶۸٪

خیر: ۱۳۸۲ نفر، ۲۸٪

نمی دانم : ۱۲۴ نفر، ۴٪

\* این نظر سنجی ارزش و اعتبار علمی ندارد.

سینما و بویژه فیلم های مستند قرار گیرد.

## معمار «موزه جنگ» اتاوا برنده "جایزه فرماندار کل" شد

این هفته نام برندگان جوایز هنری «فرماندار کل»

شدت از توهین مجری و میهمانان این برنامه به مردم و ارتش کانادا و ماموران پلیس آر سی ام پی انتقاد کرده و آنها نکوهش کرده اند.

جشنواره امسال «هات داکس» با ۱۷۱ فیلم برگزار می شود

**رنگ کاری پیاو و مبلمان چوبی**  
با رنگ کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.  
ماندانا روشن 514-909-6264

**SALON Tati**  
سالن آرایش تاتی  
514-486-1655  
6859 Sherbrooke W/ Rosedale

**خانه زیبایی فریده**  
\* متخصص لیزر و الکترولیز برای از بین بردن موهای زائد  
\* Facial و درمان پوست  
\* مشاوره رایگان  
\* Facial رایگان با خرید ۷۵ دلار از گرم های درمانی  
Tel: (514) 626-8666 (514) 892-2030

**رستوران شپراز**  
برای کیتینگ جشنها و مراسم  
گوناگون در خدمت شما  
با مدیریت خدیجه سیاح  
5625 Sherbrooke W  
(514) 485-2929

# اخبار مونترال ایرانی

## تصحیح و پوزش

در شماره ۴۱ "هفته"، ویژه نامه نوروزی، گزارشی از فعالیت های سازمان ها و اخبار جامعه ایرانی مونترال ارائه شد. گذشته از اینکه این گزارش به هیچ روی بیانگر تمام رخداد های جامعه ایرانی مونترال نبود و چنین ادعایی هم نداشت، به فعالیت های دو سازمان فرهنگی، "خانه فرهنگ صبا" و "بنیاد سخن آزاد" به شکل ناقصی پرداخته بود. مسولیت این نقص به طور کامل به عهده سردبیر "هفته" است. از خوانندگان و دست اندرکاران این دو سازمان زحمتکش فرهنگی پوزش می خواهیم و امیدواریم این کوتاهی را در حد امکان جبران کنیم

خ.ش

## اولین بازار نوروزی مونترال برگزار شد

### ■ گزارش لیلی خاقانی و سلمان شاکری فرد

روز شنبه ۱۴ مارس ۲۰۰۹ در حالیکه بیش از ۶ روز به آغاز سال نو ۱۳۸۸ خورشیدی و آمدن بهار باقی نمانده بود، خانه ی ایران در سالن مدرسه ی دهخدا اولین بازار نوروزی خود را در مونترال سرد و یخ زده تجربه کرد. این بازار با حمایت و همکاری سازمانها و انجمن هایی مانند: مدرسه ی دهخدا، انجمن زنان، روزنامه ی پیوند، کانون فرهنگی چکاوک، کافه لیت، میک، خانه ی صبا، فروشگاه سن لوران، کلبه ی عمو جمال و بسیاری دیگر امکان پذیر شده بود که با استقبال



مردم مواجه شد.

این بازار از ۱۱ صبح تا ۸ شب مورد بازدید ایرانیان و برخی کبکی های غیرایرانی قرار گرفت و یاد آور بازار های شلوغ شب عید و تب و تاب خرید وسایل هفت سین و شیرینی و آجیل نوروز ایران بود. میز خانه ی



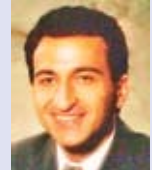
### پروین زرساو - همیوپت

لیسانس از آکادمی همیوپتی انگلستان بدون هیچگونه عوارض جانبی از سرماخوردگی تا آسم و افسردگی را درمان کنید.

(514) 931-8274

### علی پاکنژاد

مشاور بیمه و سرمایه گذاری  
Dynamic Wealth Management  
RRSP - Mutual Fund - Life Insurance



(514) 296 - 9071

### بهروز آقا بابا خانی

وام مسکن با شرایط مناسب  
Home Loans Canada



(514) 606 5626

### طراحی وب سایت و راه اندازی شبکه

### Dream media

خدمات کامپیوتری - هومن اخوان  
www.ddreammedia.com info@ddreammedia.com



(514) 862-6642

### Maison de Voyages - House of Travel

آژانس مسافرتی / فرناز معتمدی

(514) 842-8000 Ext. 296



Titulaire d'un permis du Québec farnaz@hot.ca www.hot.ca

1170 Place du Frère André (Square Phillips), Montreal, Quebec, H3B 3C6

### هتل رستوران مکزیک با مدیریت ایرانی

آخر هفته موسیقی زنده مکزیک

گروه Mariachi  
Casademateo.com

Tel: (514) 286-9589



438 rue Saint-François-Xavier, Montreal H2Y 2T3

### رادیو چکاوک و مجله هفته جایی مناسب برای معرفی کسب و کار شما

بهای آگهی ها از ۱۵ دلار در هفته

Tel: (514) 787-8848

### Sutton رضا نژاد

مشاور املاک تجاری و مسکونی

Office: 426-4545 Cell: 865-7146



2869 Boul. St. Charles - Kirkland



بود  
و اما لباسهای زیبای محلی ایران که بر تن چند نفر  
نقش آفرینی می کرد همراه غنمه های دلنشین ایرانی  
ورقص هر از گاهی...

## نمایشگاه آثار حمیرا مرتضوی در گالری ویکتوریا

دیروز برنامه گشایش نمایشگاه جدیدترین آثار حمیرا  
مرتضوی بود. این نمایشگاه از امروز، جمعه ۲۷ مارس  
۲۰۰۹ در حالی که آثار ناتالی گوئز را نیز در بر می  
گیرد، در La Galerie du Victoria Hall به روی  
عموم باز است.

خانم حمیرا مرتضوی در دانشگاه کنکوردیا در رشته  
هنرهای زیبا فارغ التحصیل شده است و کلاس های  
آموزش نقاشی وی در طول سال دائر هستند. آثار او تا  
به حال درنمایشگاه های تک نفره و جمعی به نمایش  
گذاشته شده و مورد استقبال علاقه مندان قرار گرفته  
است. ما تلاش می کنیم از این نمایشگاه گزارشی به  
خوانندگان "هفت" ارائه دهیم.

آدرس و تلفن

4626 Sherbrooke West  
Westmount  
(514)989-5226



لیت بود که با آوردن مقدار زیادی ماژیک ، آبرنگ و  
تخم مرغ بچه ها را به سر میز خود کشانده و به رنگ  
آمیزی تخم مرغها سرگرم کرده بود. غرفه ی دیگری با  
لباس های محلی و صنایع دستی خراسان بیننده را با  
بالهای خیال به سفر آن دیار می برد.

بخش دوم شامل میز هایی بود که با آوردن کالا ها  
ئی برای فروش، بازار نوروزی را مفهوم واقعی بخشیده  
بودند. از آن جمله، مکیک و خانه ی صبا  
کتاب های خود را در معرض فروش داشتند.  
محمود بقایان، هنرمند سفالگر شهرمان  
هنر پر رازو رمز شهر یزد را در قالب اشکالی  
با ارزش به بازدید کنندگان عرضه می کرد.  
ظروف زیبای بلور و شیشه ی ایرانی با طرح  
و رنگهای سنتی از کالاهایی بود که نظر  
خریداران را جلب کرده بود. تشری های بنیاد  
نیکو کاری "نیکو" به سرعت به فروش رسید.  
خانم ها مشتریان میز زینت آلات بودند و دور  
آن حلقه زده بودند. بساط آش رشته بر قرار

ایران با تزئینی از کرسی، پشتی های ایران ،سماور از  
سویی و عرضه ی ماهی،سیر ، سیب، سمنو، سماق،  
سنجد، لبوی داغ، فال گردو از سوی دیگر ، بازار سنتی  
تجربش را در یاد ها زنده می کرد مخصوصا جلیقه و  
شلیته تنبان مسئول چادر، خانم خاطره رستمی، حال  
و هوای جالبی به فضا بخشیده بود.

می توان فضای بازار را به دو بخش تقسیم کرد، به این  
ترتیب که بخشی صرفا جهت معرفی فرهنگ، هنر و  
صنایع دستی بود. در این زمینه می شود به غرفه ی  
آذربایجان اشاره کرد که با ارائه ی گلیم و فرشهای  
مختلف تبریز ومناطق دیگر آذربایجان . کتاب ها با  
موضوع های متنوع، صنایع دستی و عکس سعی  
کرده بود گوشه ای از فرهنگ غنی این منطقه را به  
نمایش بگذارد. همچنین چای مطبوع دم کشیده بر  
روی سماور این غرفه، خستگی از تن دست اندر کاران  
و بازدید کنندگان به در می کرد. نمونه ی دیگر، کافه



## TRIOLOGIE EXPOSITION DE PEINTURES ET DE PHOTOGRAPHIES ● PAINTING AND PHOTO EXHIBITION TRILOGY



VERNISSAGE le vendredi 3 avril 2009 de 19h à 22h

OPENING Friday April 3th 2009 from 7pm to 10pm

EXPOSITION du 4 avril au 17 mai 2009

EXHIBITION runs until May 17th 2009



MEKIC, Galerie d'art et librairie, 4438, rue de la Roche, Montréal H2J 3J1 Québec T. 514 373 5777 info@mekic.ca www.mekic.ca

Heures d'ouverture: Mardi au Vendredi - 11h à 19h Samedi et Dimanche - 12h à 18h



بیایید جشن های ملی را پاس بداریم

## انجمن دوستداران زرتشت



با همیاری: کانون فرهنگی چکاوک  
و انجمن ادبی مونترال

### سیزده بدر

<< همراه باری بی

<< زمان: ۵ آوریل ۲۰۰۹

از ساعت ۱۱ صبح  
<< جا:

Beaver Lake

دریاچه کستور (مون رویال)

برای آگاهی بیشتر با روابط عمومی انجمن پیوند بگیرید

<< تلفن آگاهی: ۳۲۵-۳۰۱۲ (۵۱۴)  
۷۳۱-۱۴۴۳ (۵۱۴)

سیزده بدر جشن ملی ایرانیان  
و روز بیرون افکندن زشتی های  
درون ماست. روز به هم پیوستن  
و یکی شدن با طبیعت است.  
این برنامه محدود به سازمان  
های برگزار کننده نیست. ما به  
تمامی شهروندان و سازمان های  
اجتماعی و فرهنگی خیر مقدم  
می گوئیم.  
نورزو و سیزده بدر جشن به هم  
پیوستن و همگامی با طبیعت  
است. با هم باشیم.



## سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونترال  
Tel: (514) 299-1787  
addhi2005@yahoo.com

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک  
www.ajpq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت  
با هدف بازشناساندن جشن های باستانی  
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال  
نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح  
St. Hubert 8043

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند  
مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰  
2900 Lake  
Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل  
سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی  
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد  
کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی  
Tel: (514) 944-8111

خانه ایران  
1117 St. Catherine W #420  
Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک  
گالری - کتاب فروشی - کتابخانه  
4438 De la Roche  
Tel: (514) 373-5777

خانه فرهنگ صبا  
برنامه های فرهنگی - کتاب فروشی - کافه  
5124 Sherbrooke W  
Tel: (514) 481-1433

کتاب خانه نیما  
5206 Decarie  
Tel: (514) 485-3652

کافه لیست  
هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تاریخی و علمی  
www.MontrealCafeLit.com  
MontrealCafeLit@gmail.com

کانون فرهنگی چکاوک  
رادیو و هفته نامه  
6960 Sherbrooke W  
Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا  
مدرسه فارسی - هر شنبه  
4976 Notre Dame W  
Tel: (514) 827-6364

## میک برگزار می کند: نمایشگاه دو نقاش و یک عکاس

مرکز فرهنگی کتاب ایران؛ میک در اطلاعیه آورده  
است:

گالری میک با اشتیاق از شما دعوت می کند در  
نمایشگاه جمعی سه هنرمند بنام و صاحب سبک ایرانی  
مقیم ایتالیا و کانادا محسن وزیری مقدم نقاش؛ پویان  
طباطبایی، عکاس، محمود معراجی، نقاش، شرکت  
فرمایید.

این نمایشگاه از سوم آوریل ۲۰۰۹ دایر خواهد بود و تا  
تاریخ هفدهم ماه مه ادامه دارد. گشایش این نمایشگاه  
روز سوم آوریل در ساعت ۷ عروب خواهد بود

## کافه سینما و کافه لیست تقدیم می کنند:

پنجمین سینمای ماهانه: سینمای ایران در گذر سالها  
فیلم: "آسرار گنج دره جتی" ۱۳۵۳  
توسط بردیا سعدی نژاد و مراد صادقی

18:00 Sunday 29th March 2009  
Room 323, VA - Visual Arts Building, 1395  
René Lévesque W

## عکسهای از قرن بیست و یکم

■ ترجمه و تنظیم خیر: احسان دانشیار

گشایش نمایشگاه عکس های بابک سالاری

نمایشگاه آثار بابک سالاری، عکاس ایرانی تبار کانادایی  
در روز چهارشنبه بعد از ظهر ۱۸ مارس ۲۰۰۹ در  
موزه هنرهای معاصر ماسودونیان (Macedonian  
Museum of Contemporary Art) در یک فضای  
صمیمی گشوده شد. در آغاز، رئیس موزه هنرهای معاصر  
آقای ژانتیپ هوپیل Xanthippe Hoypel به هنرمند  
عکاس خوشامد گفت و اضافه کرد که در کارهای آقای  
سالاری ریشه ها و هویت ایرانی را می توان دید و این  
واقعیتی است که نمی توان انکار کرد. او در نهایت از  
آقای سالاری و جشنواره فیلمهای مستند برای انتخاب  
این نمایشگاه بخصوص قدردانی کردند.

آقای دیمیتری اپیدس Dimitri Eipides هم در  
سخنرانی خود از کارهای آقای سالاری به عنوان آثاری  
یاد کرد که مخاطب را به صورت مستقیم با مسائل  
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سوژه عکس ها هستند  
درگیر می کند. در این مراسم سفیر کانادا در یونان  
آقای ویلگوسس Dr. Renata Wielgosz هم سخنرانی  
کرد. او از جمله گفت که در کارهای بابک سالاری  
داستان زندگی روزانه مردم را می توان دید. در نهایت  
آقای سالاری از یازدهمین جشنواره فیلمهای مستند و  
تمامی کسانی که وی را در انجام این مهم یاری کرده اند،  
بویژه از موزه هنرهای معاصر و سفارت کانادا در یونان  
قدردانی کرد.

پیام تسلیت انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک به مناسبت درگذشت  
دکتر ضیالالدین شادمان

## تسلیت و همدردی

یادش به خیر، جایش در جشنهای نوروزی هموطنان خالی است، خیلی هم خالی است.  
شعمی بود که در هر مجلس پروانه وار دورش می کردند و از تجربیات و لطیفه هایش لذت  
می بردند. وارسته پر مغزی بود که حتی اسمش با خصوصیات اخلاقی او هم خوانی داشت  
و این خود از نوادر است. خاطره اش را گرامی بداریم و به خانواده اش ارج بگذاریم

درود تسلیت به خانواده مرحوم دکتر شادمان  
انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک

پوشه، تارنمای خبری ایرانی مونترالی را ببینید  
www.poosheh.com

شاعر سرشناس فلسطینی، محمود درویش، که در آگوست ۲۰۰۸ درگذشت، برگزار می کند. آدرس

Room: Cartier AB. Price: \$5

◀ شنبه ۲۵ آپریل در ساعت ۳ بعد از ظهر طارق علی نویسنده انگلیسی پاکستانی تبار سخنرانی خواهد داشت. آدرس:

Room: Auditorium. Price: \$10

◀ شنبه ۲۵ آپریل در ساعت ۵:۳۰ طارق علی در مورد آخرین کتابش صحبت می کند. آدرس:

Room: Régence A. Price: \$10

◀ شنبه ۲۵ آپریل در ساعت ۸:۳۰ بعد از ظهر مراسم شعر خوانی با حضور شاعران خیر الدین مراد، سمیرا نگروجه و زکریا تامر برگزار می شود. آدرس:

Room: Victoria. Price: \$5

◀ یکشنبه ۲۶ آپریل در ساعت ۱ بعد از ظهر زکریا تامر نویسنده سوریه ای در مورد آثارش صحبت می کند. آدرس:

Room: Versailles. Price: \$5

◀ یکشنبه ۲۶ آپریل در ساعت ۲ بعد از ظهر نیک اهنگ کوثر که در حال حاضر در تورنتو زندگی می کند در مورد آثارش صحبت می کند. نیک اهنگ کوثر یکی از معروفترین کاریکاتوریستهای ایرانی است که آثارش در نیویورک تایمز، واشنگتن پست، گلوب اند میل و روزنامه گاردین چاپ می شود. همچنین وی همکاری نزدیکی با روزانلاین و رادیو زمانه دارد. آدرس

Room: Victoria. Price: \$5

◀ یکشنبه ۲۶ آپریل در ساعت ۲ بعد از ظهر طارق علی نویسنده پاکستانی و اسانجی نویسنده هندی به بحث خواهند نشست. آدرس

Room: St Laurent. Price: \$10

◀ یکشنبه ۲۶ آپریل در ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر آقای رضا دقتی در کنار نمایش یک فیلم با موضوع سخنرانی خود دوباره به بحث در باره خطراتی که روزنامه نگاران عکاس را تهدید می کند خواهد پرداخت. آدرس:

Room: St. Charles. Price: \$5

www.bluemetropolis.org

از ۲۲ تا ۲۶ آپریل ۲۰۰۹ در مرکز دلتا و هتل ویل جشنواره بین المللی نویسندگان در مونترال برگزار می شود. در این جشنواره نویسندگانی از خاورمیانه و جنوب آسیا شرکت خواهند کرد و علاقمندان به ادبیات خاورمیانه در مونترال می توانند از این جشنواره استفاده کنند. از جمله شرکت کنندگان این برنامه آقایان رضا دقتی و نیک اهنگ کوثر هستند.

لازم به توضیح است که بلو متروپولیس، برگزار کننده این جشنواره یک تشکل خودجوش است و در جون ۱۹۹۷ تاسیس شده. هدف آن شناسایی و گسترش فرهنگهای مختلف از طریق دعوت کردن نویسندگان و شاعران مختلف می باشد. برای اطلاعات بیشتر به تارنمای این مرکز که در زیر این خبر آمده، مراجعه کنید. بعضی از برنامه های بلو متروپولیس در این جشنواره به عبارت زیر هستند.

◀ پنجشنبه ۲۳ آپریل در ساعت ۲ بعد از ظهر برنامه "تاثیر ادوارد سعید در ادبیات و فرهنگ مدرن عرب" آدرس برنامه :

At: McGill University, Morrice Hall 017, 3485 McTavish Street.  
Price: Free

◀ پنجشنبه ۲۳ آپریل در ساعت ۸ بعد از ظهر مراسم اهدای جایزه ادبیات بلومتروپولیس برگزار می شود. آدرس برنامه :

Room: Victoria. Price: Free

◀ جمعه ۲۴ آپریل در ساعت ۷ بعد از ظهر آقای رضا دقتی، یکی از هنرمندان پیشرو عکاسی، در مورد "خطرات و تهدید های صحبت می کند که از کار روزنامه نگار عکاس که ناظر وقایع خاص است ناشی می شود. آدرس برنامه:

Room: Cartier AB. Price: \$10

◀ جمعه ۲۴ آپریل در ساعت ۸ بعد از ظهر بلو متروپولیس مراسم یادبودی از

## مراتب تشکر و قدردانی

بیش از چهل روز گذشت. نه اشک ها در چشم دوام آورد و نه حرف ها بر زبان.  
روایت درد آسان نیست. خاک های بیابان می دانند، سیلی آفتاب یعنی چه  
از تمامی دوستانی که از مونترال و از شهرهای دیگر، با پیام های کتبی و یا تلفنی خود، در هنگام غم بزرگ  
از دست رفتن سه عزیز خانواده مان،  
صمیمانه در کنار ما بودند قدردانی می کنیم  
همچنین از همراهی دوستانه "پیوند" و مجله "هفته" سپاسگزاریم.

## خانواده های درخشان و معتمدیان

SHARIF EXCHANGE  
موسسه مالی شریف  
تبدیل ارز - ارسال ارز به ایران و برعکس  
خریدار سکه، شمش و زیور آلات طلا  
Tel: (514)561-6408 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

هفته همه جا و همه وقت در دسترس شما:  
www.hafteh.info



# امیر خدیر: دولت لیبرال به مردم دروغ می گوید

## گفت و گوی اختصاصی هفته با دکتر امیر خدیر، نماینده ی مجلس کبک

■ علی شریفیان

sharifiancanada@yahoo.com

عمده ترین بحث ها در ملاقات با مردم در باره ی بحران اقتصادی و بیکاری بود...

آیا در این مدت کار ویژه ای برای جامعه ی ایرانیان مونترال و کبک انجام داده اید؟  
■ کار عمده ای که در این رابطه انجام شد این بود که قطعنامه ای به مجلس بردیم که بر اساس آن مجلس ملی کبک، نوروز را به همه ی کسانی که آنرا جشن می گیرند، تبریک گفت.

آیا این جشن به عنوان جشنی رسمی از سوی مجلس ملی کبک به رسمیت شناخته شد؟

■ نه هنوز... باید توجه کنیم که «روز سنت

زندگی به عنوان نماینده مجلس با زندگی به عنوان یک شهروند عادی چه تفاوتی دارد؟

■ زندگی به عنوان نماینده مجلس دیسپلین و نظم ویژه ای طلب میکند. در مجلس ۱۲۴ نماینده ی دیگر بیشتر راجع به قانون فکر می کنند. ولی اگر نماینده ای واقعاً به زندگی مردم ومشکلات آنها توجه وعلاقه داشته باشد، کار

در انتخابات استانی هشتم دسامبر ۲۰۰۸ در کبک، دکتر امیر خدیر کاندیدای حزب همبستگی کبک (QS) از حوزه ی مرسیه مونترال با پیروزی بر رقبایش به نمایندگی مجلس ملی کبک انتخاب شد. او اولین کبکی ایرانی تباری است که در کبک به نمایندگی مجلس رسیده است. رسم است که کارنامه سیاستمداران ۱۰۰ روز پس از بدست آوردن قدرت برای اولین بار بررسی می شود. گرچه امیر خدیر به عنوان تنها نماینده از سوی حزب همبستگی به مجلس راه یافته و طبیعتاً به جهت فردی و یا با اتکا به قدرت حزبی از توان اجرایی برخوردار نیست، با این وجود ما خواستیم این سنت را بهانه کرده و مدتی پس از حضور وی در مجلس گفت و گویی با او داشته باشیم. از ایشان سیاستگرایی که با وجود برنامه های فشرده خود امکان این گفت وگو را مهیا کرد.

آقای دکتر امیر خدیر یکصد روز از انتخاب شما به نمایندگی مجلس گذشت. این دوره را چگونه ارزیابی می کنید؟

■ این صد روز به سرعت گذشت... ما در مجموع دو هفته در مجلس جلسه داشتیم. در واقع باید بگویم هشت روز... در این جلسات پس از جلسه گشایش مجلس سی و نهم عمدتاً لایحه بودجه دولت به مجلس ارائه شد و بحث ها ومناظره هایی هم درباره مشکلات و زبان بی سابقه «صندوق سپرده بازنشستگی کبک» انجام شد. من در صد روز اول دوران نمایندگی ام بیش از یک ماه آنرا به شهرها ومناطق کبک سفر کردم و در این سفرها در هر جایی که ممکن بود... در خانه ها، کافه ها و دانشگاه ها برنامه ها و طرح های حزب همبستگی کبک را به مردم معرفی کردم و با مردم به گفت و گو نشستیم تا از نقطه نظرهای آنها درباره زندگی شان و نظرات و انتقاداتشان در باره ی طرح و برنامه های دولت لیبرال اطلاع پیدا کنم.



▲ امیر خدیر هنگام ادای سوگند در مجلس ملی کبک با سپاس از خانم نیما مشعوف برای در اختیار گذاشتن عکس

نمایندگی مجلس تجربه ی ارزشمندی است. من به این موضوع علاقه مند و به همین منظور هم تلاش کرده ام که نماینده مجلس بشوم. این یک صد روز و بقیه ی چهار سال نمایندگی مجلس تجربه پر ارزشی در زندگی خواهد بود.

پاتریک «Saint Patrick Day» جشن ایرلندی ها که از قدیمی ترین مهاجران کبک هستند بیش از یکصد سال است که برگزار می شود ولی هنوز به رسمیت شناخته نشده است. هر وقت که روز «سنت پاتریک» به رسمیت شناخته شد، «نوروز» هم به رسمیت شناخته خواهد شد و در تقویم رسمی کبک ثبت

می‌شود. مشغول تلاش جدی در این زمینه هستیم.

**لیبرال ها بودجه خود را به مجلس ارائه کرده اند، با توجه به اینکه این بودجه چهار میلیارد دلار کسری دارد، نظر شما درباره این بودجه چیست؟**

■ کسری بودجه مهم نیست. باید دید از این کسری بودجه چگونه و در کجا استفاده می‌شود. باید از تفکر سنتی درباره «کسری بودجه» اجتناب کرد. کبک بدهی خارجی ندارد. ۸۴ درصد بدهی دولت کبک به مردم کبک است مثل اوراق قرضه‌ای که مصدق منتشر کرد و از مردم برای گرداندن امور کمک مالی گرفت. مشکل این بودجه که من به عنوان نماینده مجلس در نشست خبری در کبک به آن پرداختم چگونگی خرج کردن آنست. ۲۱ مورد اقلام بودجه که به سه میلیارد دلار بالغ می‌شد مانند بودجه‌های دو دهه اخیر صرف دادن امتیاز و امکانات مالی به سرمایه داران و کلان شرکت های خصوصی است و در این بودجه تنها در ۷ مورد که مبلغ آن به ۲۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شود پیش بینی هایی برای رفع نیازهای مالی و اقتصادی مردم شده است. این بودجه تکرار اشتباهات گذشته است. دادن یارانه (سوسید) به سرمایه داران است.

ژان شاره اخیراً از انقلاب در امور اقتصادی صحبت کرده و می‌کند که معنایش گرفتن مالیات بیشتر از کسانی است که درآمدهای کلان دارند اما در این بودجه عملاً خبری از آن نیست. اوباما در امریکا پس از ۲۵ سال این نقطه نظر را مطرح کرد و حالا هم با به تصویب رساندن قانون اخذ مالیات بیشتر از خانواده هایی که بیش از ۲۵۰ هزار دلار در سال درآمد دارند آنرا دارد عملی می‌کند. این بودجه در راستای منافع عموم مردم کبک نیست.

در ماه های اخیر براساس آمارهای منتشر شده ده ها هزار نفر در کبک از کار بیکار شده اند. آیا حکومت لیبرال طرحی برای آسانتر کردن شرایط «بیمه بیکاری» و مقابله با بیکاری های گسترده تر در دست اقدام دارد؟

■ تنها ۵۰۰ میلیون دلار برای آموزش دوباره ی آنها بی که بیکار می‌شوند در نظر گرفته شده تا قربانیان بیکاری را آماده ی بازار کار کنند. اما این طرح در عمل بی معناست. مثلاً آموزش دادن یک فرد ۵۵ ساله پس از اینکه سالها در رشته ای مشغول به کار بوده برای اشتغال به کار دیگری واقعاً بی معناست. در مورد ایجاد

کار هم بودجه ای که دولت فدرال در نظر گرفته به کار گرفته خواهد شد و دولت لیبرال در مورد ۱۹ میلیارد دلاری که برای انجام کارهای زیر بنایی مثل ساختن جاده و پل در نظر گرفته شده به مردم دروغ می‌گوید. گرچه ایجاد کارهای ساختمانی و یا زیر بنایی به این معنا هم در دراز مدت راه مبارزه با بحران اقتصادی نیست. در کار اقتصاد باید هدف اقتصاد سالم و سبز به نفع مردم وارد برنامه های دولت شود و نه اینکه مردم به خاطر اقتصاد و به عنوان وسیله ی پولدارتر شدن پولدارها مورد توجه باشند. باید اقتصاد کارساز و زیر بنایی که همان اقتصاد به نفع عموم مردم باشد محور کار قرار گیرد.

**جیسون کنی وزیر مهاجرت، شهروندی و چند فرهنگی گفته است که دانستن یکی از دو زبان رسمی کشور، یعنی فرانسه و یا انگلیسی، از شرایط اصلی پذیرفتن مهاجران به شهروندی کانادا خواهد بود. نظر شما چیست؟**

■ این حرف بسیار بی ربط است. اگر اینگونه بود موقعی که اجداد آقای کنی به کانادا آمدند، بومیان کانادا باید آنها را به خاطر آنکه زبان سرخپوستان - صاحبان اصلی این سرزمین مهاجر پذیر - را نمی‌دانند بیرون می‌کردند. باید به آقای وزیر گفت شما با احترام با مهاجران رفتار کنید، تحصیلات و فرهنگ آنها را به طور واقعی به رسمیت بشناسید و امکانات فراهم کنید که مهاجران یکی از این دو زبان را یاد بگیرند و از زدن این حرف های بی اساس و اصول خودداری کنید. اگر همه اینها انجام شود آنوقت مهاجران خود با علاقه یکی از این دو زبان را و یا شاید حتا هر دو زبان را خواهند آموخت و در زمان گرفتن شهروندی مشکلی نخواهند داشت.

در نشریات و رسانه ها گزارش هایی منتشر شده که گویا شما قصد دارید به خاطر آنکه تنها نماینده ی حزب همبستگی کبک هستید رهبری این حزب را در دست بگیرید. از جمله نشریه گزشت گزارشی در این رابطه چاپ کرده است. واقعیت چیست؟

■ چند گروه از روزنامه نگاران با ما سر ستیز دارند. گروه اول، آن دسته هستند که طرفدار پارتی کبکوا (حزب کبکی ها) هستند. آنها نمی‌توانند قبول کنند که حزب دیگری آرمان «استقلال کبک» را مطرح کرده و با درایت و صداقت به دنبال عملی کردن آنست و این گروه این واقعیت را نمی‌توانند تحمل کنند. گروه دیگر طرفداران نظم موجود هستند که به وسیله لیبرال ها ایجاد شده است. «حزب همبستگی کبک» آنگونه که از ابتدای تشکیل عمل کرده، یعنی با دو سخنگو و یک هیئت پانزده نفری که تصمیم گیری های عمده را انجام می‌دهند و خط مشی و برنامه های کاری را تدوین می‌کنند، به کار خود ادامه می‌دهد. من هیچگاه قصد به دست گیری رهبری حزب را نداشته و ندارم اینها همه جا رو جنجال است و بعضی از نشریات برای فروش تک شماره ای روزنامه های خود به این کار دست می‌زنند.

**در پایان حرفی برای جامعه ی ایرانیان مونترال کبک و کانادا دارید؟**

■ ما بر خلاف آنچه مرسوم است باید سعی کنیم که در یک پیکار و تلاش دسته جمعی با دیگر اقلیت ها دراز بین بردن تبعیض ها علیه همه ی اقلیت ها همکاری کنیم. چرا که اگر این تبعیض ها از بین برود. عملی شدن عدالت اجتماعی برای همگان، هم برای اقلیت ها و هم برای محرومان جامعه ی بزرگتر یا میزبان آسان تر خواهد شد.

آقای دکتر امیر خدیر از شما سپاسگزاریم.

**West Island**  
**POINTE CLAIRE**  
DENTAL HEALTH CENTER

**دکتر رامین میرموجی**  
دندانپزشک در کلینیک مجهز وست آیلند  
از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Aut-40 St-Jean  
Holiday Hymus

Tel: (514) 695-8641  
6600 Trans Canada Hwy., Suite 806  
Point Claire, QC H9R 4S2

[www.WestIslandDental.com](http://www.WestIslandDental.com)

**تعمیرگاه اتو رایدرز**  
**Auto Ryders Inc**

انواع تعمیرات اتومبیل  
رفع ایرادات الکترونیکی اتومبیل خود را به ما بسپارید

با مدیریت حمید راهور  
با بیست سال سابقه کار در کانادا

Tel: (514) 578-2211  
Fax: (514) 637-3496



420 1ère Avenue, Lachine, QC H8S 2S3



# دکتر شادمان برای وصل کردن آمده بود

## در باره دکتر ضیالالدین شادمان با دکتر کاظم ودیعی

مترقی» توسط مرحوم حسنعلی منصور که بعدها ترور شد، شکل گرفت و دکتر شادمان هم در آنجا عضو شد. خیلی از برجستگان این دوره عضو «کانون مترقی» بودند، آنهایی که به طور مرسوم جاه‌طلبی اداری و آرزوی اصلاحات در ایران داشتند. من شخصا این سعادت را نداشتم. خود مرحوم منصور مرد پاک‌دستی بود و بسیار وسواس داشت در نتیجه گروهی که در ابتدا با ایشان همکاری می‌کردند از آدم‌های جوان، خوب درس‌خوانده و پاک‌دست بودند.



دکتر ضیالالدین شادمان

کاری از مرضیه رحمانی

در دوره‌ی ۲۱ مجلس شورای ملی - که کانون مترقی تبدیل شد به «حزب ایران نوین» - دکتر شادمان به عضویت این حزب درآمد و از سیرجان وکیل مجلس شد.

از دوران شهرداری ایشان بگوئید.

■ یادم می‌آید شاه بسیار از شهر تهران ناراضی بود و بارها این را به آقای منصور، نخست‌وزیر، اخطار کرده بود که فکری برای شهرداری تهران نکنید. طبعاً کسی که در بازار و مسجد و بالای شهر و پایین شهر و توی روشنفکرها و توی معممین ردپایی داشت دکتر سید ضیاءالدین شادمان بود. و این مرد برای سمت شهرداری تهران بسیار مناسب می‌نمود.

حالا میزان کار شهرداری در این دوره

■ دکتر شادمان یکی از رجال عهدی است که مملکت از دوران فروبستگی‌های اقتصادی بعد از جنگ [جهانی] خارج می‌شد و می‌رفت به سمت دوره‌ی عمران و پیشرفت و تجدد. مردانی که در این دوره بودند، و از جمله ایشان، یک صفت مشخصی داشتند و آن این که درس می‌خواندند. درس خواندن جزو واجبات بود. مدرسه رفتن و درس خواندن. پیش از اینها، تحصیل علم بیشتر جنبه‌ی مکتبی داشت.

دکتر شادمان از یک خانواده‌ی اهل علم بود و در دبستان و دبیرستان رودکی و دارالفنون درس خواند. دیرتر وارد جمع ورزشکاران شد. به سویس و از آنجا به دلایلی تغییر کشور داد و آمد به فرانسه. و تحصیلاتش را در رشته‌ی حقوق در دانشکده‌ی حقوق پاریس به پایان رساند.

به علت سابقه‌ای که مرحوم دکتر فخرالدین شادمان در وزارت دارایی داشت در دوره‌ی رضا شاه کبیر، و دقتی که در کار بودجه داشت طبیعتاً باعث شده بود شادمان‌ها در وزارت دارایی شناخته‌شوند. پس ایشان خیلی به راحتی وارد وزارت دارایی شد و چیزی نیابید که به سمت رییس دفتر وزیر دارایی شروع به کار کرد. سپس در مشاغل مدیریتی از جمله مدیر کل جیره‌بندی، مدیر



▲ ضیالالدین شادمان - شهردار تهران

پاریس زندگی می‌کند مدتی پیش خاطرات خود را تحت نام «شاهد زمان» منتشر کرد و بخشی از آنچه را که گفتنی بود، او در این دوره دو جلدی آورده است. او در آخرین هفته‌ی آوریل ۲۰۰۹ در مونترال خواهد بود و در باره خاطرات خود از دوران مسولیت‌های مدیریتی و سیاسی‌اش در دولت‌های پیش از انقلاب ۱۳۵۷ سخن خواهد گفت.

ما تلاش کردیم در حد امکان در این گفت‌وگو به گوشه‌ای از تلاش‌های دکتر سید ضیالالدین شادمان بپردازیم.

خ. ش.

آقای دکتر کاظم ودیعی شما در



▲ ضیالالدین شادمان در کابینه امیرعباس هویدا - ۱۳۵۴

عامل بانک ملی ایران، مدیر عامل فروشگاه فردوسی و ... کار کرد. او این سمت‌ها را به خوبی انجام داد. در عصر انقلاب سفید، گروه «کانون

پرونده این شماره از «هفته» را به دکتر سید ضیالالدین شادمان اختصاص داده ایم. تلاش این بوده تا با گردآوری اطلاعات موثق از منابع معتبر خوانندگان را با این چهره‌ی چند وجهی بیشتر آشنا کنیم. اما محدودیت‌های گوناگون سبب شد از این نوشته که دوستان و همکاران بسیاری برای آن زحمت کشیدند نه یک گزارش بی طرفانه بلکه یک بزرگداشت و نمایشی از جنبه‌های مثبت کارنامه‌ی پر بار زنده یاد ضیالالدین شادمان بیرون بیاید.

امیدواریم به مرور زمان بتوانیم اطلاعات بیشتری از جنبه‌های مختلف تلاش‌های این رجال بزرگ، پر کار و چند وجهی عرصه مدیریت سطوح بالای کشور در پیش از انقلاب ارائه بدهیم.

ما از خانواده دکتر شادمان بویژه خانم سهیلا ابهری، همسر گرامی ایشان و همچنین خانم فهیمه سمیعی گهر، آقای حسین قربانیان، آقای علی اشرف شادپور و دیگر دوستانی که در تهیه عکس‌ها و مواد این گزارش همکاری کردند صمیمانه سپاسگزاریم.

سردبیر

■ گفت‌وگو: مرضیه رحمانی و خسرو شمیرانی

برای تهیه گزارشی از کارنامه پر بار زنده یاد ضیالالدین شادمان با آقای دکتر کاظم ودیعی گفت‌وگو کردیم. ودیعی از رجال دوران پهلوی است که در مقطعی به سبب حرفه‌ای و کاری با دکتر سید ضیالالدین شادمان همراه شده است. میان این دو رجل سابق به مرور دوستی و نزدیکی شکل گرفت.

دکتر ودیعی که در حال حاضر در



▲ دوستان در بیمارستان جشن تولد دکتر شادمان را جشن می گیرند

بود زبان هنرمند را می فهمید. ولی مهارت نگفته و ننوشته‌ی وی که حتا خودش هم در چند مقاله که از او دیدم اشاره نمی کند، مهارتش در فهم و مدیریت مسائل مالی اداری بود. در استاندارای که بود یک بار در حال عبور از منطقه جمکران مردم گفتند استاندار دارد رد می شود. نتیجه این که به او گفتند، اینجا یک امام زاده‌ای هست و مردم یک راه می خواهند. چیزی نزدیک ۱۰۰ هزار تومان ۱۵۰ هزار تومان خرج داشت. این را حل کرد.



▲ علی اشرف شادپور و دکتر شادمان:

همچون دو برادر

### کدام وجه از شخصیت ایشان برای شما برجسته تر بود؟

■ شنونده‌ی خوبی بود. این موضوع را من به شما بگویم که در ۲-۳ سال پیش که به همت یکی از دوستان مان، گمان می کنم آقای پورشفیعی جمع شدیم یک جا. یک بار من دیدم که یک ساعت و نیم این مرد حرف نزد و گوش داد. این خصلت بزرگی است برای یک مرد اداری که در سمت وزیر مشاور بوده. یک مشاور مثل یک وزیر معمولی نیست. وزیری است با یک دفتر و یک منشی. ولیکن تمام سوراخ سنبه‌ها را باید بداند. همه جا را هم بداند. همه‌ی سرنخها را به همدیگر بدوزد.

برای اهل علم بسیار احترام قائل بود. یادش به خیر. مردی بود مردمی و مهربان، بزرگوار، متخصص امور مالی. گمان نمی کنم که در سال انقلاب ایشان در ایران بود. این را درست نمی دانم و به حمدالله در سال‌های بعد از انقلاب در خارج موفق شد که آن حجره‌ی گرم دوستی را دومرتبه با انجمن حافظ به وجود بیاورد. که انشاءالله وقتی به خدمتتان رسیدم درباره‌ی این مفصل صحبت خواهیم کرد. که چه چیزی را کاشت و از کجا الهام گرفت. این موضوع سخن من خواهد بود که انشاءالله در آنجا خواهیم گفت.

آقای دکتر ودیعی از شما سپاسگزاریم

روحانیت بود و یا در جایی که بازاری‌ها با نواندیشان اختلاف سلیقه داشتند فوراً می گفت که به سید بگویند که مسئله را حل کند. افراد کانون مترقی عادت داشتند به شیوه‌ی دوران دانشجویی در فرانسه، همدیگر را با نام کوچک صدا می کردند. محمود و حسن و منوچهر و همین طوری. خیلی هم راحت بودند در این زمینه. با سنت اداری ما هیچ جور در نمی آمد. ولی بین خودشان این عادت بود. فرهنگ اداری جدید یک فرهنگ تجدد بود که فاصله‌ها را از میان بردارند تا بتوانند حرفشان را بزنند.

### ایشان را به عنوان "سید" می خواندند این نام از کجا آمد؟

■ کلمه‌ی «سید» را هویدا راه انداخت. دو دلیل داشت: یکی احترام به وضع خانوادگی این مرد بود و احترام به جنبه‌ی مذهبی وی و دوم با این کلمه می خواست بگوید که تو نزد روحانیان آبرویی داری. بنابراین تو برو و این کار را انجام بده.

### دکتر ودیعی! خودتان به طور مشخص هیچ موردی را به خاطر می آورید که دکتر شادمان رفت پادرمیانی کرد و مشکلی را حل کرد؟

■ آری. ولی الان جزو یادداشت‌های من نیست. در دهه چهل و دوره‌ی اول انقلاب سفید یک طبقه‌ی بورژوازی شهری در در ایران پیدا شد که صاحبان شرکت‌های مدرن بودند. اینها خودشان را خیلی جدا از بازاری‌ها حس می کردند. دکتر شادمان با نرمشی که داشت، وقتی که اختلافات بین بازاری‌ها و نوسرمایه‌داران بروز می کرد شاهد بودم که مسائل را به راحتی حل می کرد.

### دکتر شادمان ورزشکار و ادب دوست و خلاصه به معنای واقعی چند وجهی بود ...

■ بله. چون ورزشکار بود زبان نسل جوان را می دانست. چون به ادبیات داخل علاقه داشت بسیار حاضر الذهن بود. وقتی مسئله‌ای را به لفظ و نثر نمی توانست حل کند با یک سطر شعر کار را تمام می کرد. چون اهل موسیقی

اتفاقاً چندان درخشان نیست. علتش هم این است که جامعه‌ی ما هنوز به برنامه‌ریزی مدرن عادت نداشت. و چون این افراد با نگاه تازه‌ای به امور اداری نگاه می کردند، طبعاً با مردم عادی فاصله پیدا شده بود. مدتی بعد می گویند که همه‌ی برنامه‌ها را نتوانسته بود انجام دهد. ولی به هر حال دوره‌ی سختی برای دکتر شادمان بود. در مونترال در باره این دوره به من گفت: اولین دوره‌ای بود که با مردم سروکار داشتم. سروکار با کسانی افتاده بود که به امر زمین‌بازی و اینها مشغول بودند.

از آنجا به استانداری تهران رفت. در این سمت - که سمت آرام و راحتی بود و ضمناً تمام دستگاه‌های تشریفاتی را در رابطه با هم قرار می داد. مدت



### دکتر ضیالدین شادمان

طولانی ۷-۸ سال به نظر من در این سمت ماند.

### ایشان مدتی مشاور امور پارلمانی بود. از این دوره چیزی به یاد دارید؟

■ بله. بعد از استانداری به سمت مشاور امور پارلمانی رسید. به دلیل مردم‌شناسی و مردم‌داری که داشت در دولت هویدا مشاور امور پارلمانی شد. و در این کار دوستان خیلی زیادی در مجلس و در بیرون پیدا کرد. خب طبیعی است که وزیر مشاور محرم مستقل نخست‌وزیر است و هر جا که اختلافی باشد نماینده‌ی نخست‌وزیر کلید حل مشکل است. در کمیسیون‌ها ایشان. شوخی‌هایی رد و بدل می شد و نخست‌وزیر همیشه وقتی که مشکلی در شهرهای مذهبی پیش می آمد، مشکلی در جامعه‌ی



دکتر سید ضیاءالدین شادمان در روز آدینه ۱۵ آذر ماه سال ۱۳۰۲ در محله‌ی پامنار تهران، کوچی‌های حیات شاهی، از مادری به نام صدیقه و پدری به نام سید ابوتراب به دنیا آمد. وی کوچک‌ترین فرزند خانواده بود. سید ضیاءالدین شادمان تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی رودکی و دبیرستان را در دارالفنون گذراند. لیسانس و فوق‌لیسانس حقوق خود را از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و درجه‌ی دکتری حقوق را از دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد. عنوان پایان‌نامه‌ی دکتری وی «اتحادیه‌های کارگری در ایران» بود. دکتر شادمان در زمینه‌ی ورزش از فعالان و تاثیرگذاران بود. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) که ایران برای نخستین بار در المپیک (برگزار شده در لندن) حضور یافت سید ضیاء شادمان عضو

تربیت بدنی ایران بود. دکتر شادمان اولین مفسر و گزارشگر مسابقات ورزشی به طور زنده شد و برای رادیو ایران روزانه اخبار ورزشی تهیه و اجرا می‌کرد. از دیگر برنامه‌های رادیویی که دکتر شادمان تهیه و اجرا می‌کرد می‌توان از «رضا شاه در پیشگاه تاریخ» (سیاسی)، «چرا کارفرما نشویم» (کارگری) و «شهری در دل شهر ما» (اجتماعی) نام برد. سید ضیاء شادمان پس از دریافت درجه‌ی دکتری از فرانسه و بازگشت به ایران، در وزارت دارایی مشغول به کار شد و به معاونت سازمان جیره‌بندی منصوب شد. مدتی استاد انستیتوی علوم بانکی بود و در دوره‌ی فوق‌لیسانس در رشته‌ی بیمه تدریس کرد. در سال ۱۳۳۶ با خانم سیما ابهری ازدواج کرد و ثمره‌ی آن چهار پسر به نام‌های سید شهاب‌الدین، سید حسام‌الدین، سید فخرالدین، سید صدرالدین است. پس از آن به

دکتر شادمان در منصب شهرداری تهران دست به اقدامات بی‌سابقه و جنجالی زد و عده‌ی زیادی از مدیران را بازنشسته و بازرخرد کرد. با آن که پس از انقلاب از مسئولان پیش از انقلاب چندان به نیکی یاد نمی‌شود اما یکی از روزنامه‌های ایران دو سال پیش در ستونی به نام «اولین‌ها» در زمینه‌ی «مبارزه با فساد» از همین اقدام دکتر شادمان یاد می‌کند. وی بیش از یکی دو سال در این سمت نماند و پس از آن استاندار استان مرکز (تهران) شد. دکتر شادمان از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ به مدت ۱۰ سال قائم مقام تولیت حضرت عبدالعظیم هم بود. وقتی که مسئول حرم عبدالعظیم شد وضع مالی و بودجه‌بندی آنجا بد بود. اما به خاطر مدیریت و تخصص مالی و اقتصادی دکتر شادمان، پس از مدتی نظم و سامانی یافت و اضافه بودجه هم آورد. آخرین سمت اداری او در

گفت که من کارم زیاد شده است و دیگر نمی‌توانم این جلسه را برقرار نگه دارم. سرانجام با رفتن آن فرد و از دل آن جمع انجمن حافظ خوانی بیرون آمد. آقای شادپور همچنین توضیح می‌دهد: نزدیک جشن نوروز سال ۱۳۷۷ گفتم من درباره‌ی مفهوم تحویل سال صحبت می‌کنم. قرار شد در آغاز هر جلسه یک غزل حافظ هم خوانده شود. نخستین جلسه در اتاق ۴۰۷ ساختمان هال دانشگاه کنکور دیا (Hall Building) برگزار شد و سی نفر در آن شرکت کردند از جمله خانم قربانیان (فهیمة سمیعی گوهر) و همسر ایشان، آقای منوچهر (حسین) قربانیان، آقای وظیفه‌دان و همسرش، خانم شه‌دوست و دیگران. تنها به خاطر پایداری و علاقه و مدیریت و



دکتر ضیاءالدین شادمان

شخصیت بزرگ دکتر شادمان بود که این جلسه‌ها تاکنون ادامه یافته است. آقای شادپور در ادامه توضیح می‌دهد که چند عامل دیگر هم بود که مهم‌ترین آنها مطرح نشدن بحث سیاسی و بحث مذهبی در این جلسه‌ها بود. انجمن برای دکتر شادمان در حکم فرزندی بود که آن را بسیار دوست می‌داشت. در ابتدا به «حافظ‌خوانی» مشهور شد. اما به خاطر این که در آن از همه شاعران و موضوع‌های تاریخی و فرهنگی و ادبی صحبت می‌شد پس از چند سال نام آن به «انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران» تغییر داده شد.

در همین انجمن بود که بسیاری با هم آشنا و دوستان صمیمی شدند. سفرهای بهاری و تابستانی از دیگر برنامه‌های دکتر شادمان برای دوستی

## ترا چون بخارا دوست دارم ای پیر تهرانی!

مدیر کلی وزارت دارایی و مدیر عاملی فروشگاه فردوسی تهران رسید. در دوره‌ی ۲۱ مجلس شورای ملی از حوزه‌ی جیرفت به نمایندگی انتخاب شد و عضو هیات ریجسی مجلس شد. در آنجا به عنوان کارپرداز اول

و کاپیتان تیم ملی بسکتبال ایران بود. پس از آن رییس فدراسیون‌های والیبال و بسکتبال و عضو کمیته‌ی ملی المپیک شد. وی اولین کسی بود که مقررات بین‌المللی والیبال و بسکتبال را به زبان پارسی ترجمه



▲ دکتر در سفر تابستانی در جمع دوستان

مجلس هم خدمت می‌کرد. وی در سال ۱۳۴۲ شهردار تهران شد.

کرد. مسئولیت ورزشی دیگر وی معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان



و صمیمیت بیشتر بین عضوهای انجمن بود. از جمله سفر به شهر کبک یا سفر به اتاوا برای جشنواره‌ی گل لاله. دکتر شادمان هر هفته به تمام دوستان و شرکت‌کنندگان تلفن می‌کرد و به آنها خبر برنامه‌ی یک‌شنبه را می‌داد. آقای شادپور می‌گوید به دکتر شادمان گفتیم برای خبر دادن لازم نیست همه‌ی زحمات‌ها را شما بکشید. شما به سه چهار نفر تلفن کنید و آن سه چهار نفر به سه چهار نفر دیگر. اما دکتر شادمان اصرار داشت که خودش با همه صحبت کند.

دکتر شادمان وی شیفته‌ی مردم بود، خوش‌مشرّب، خوش‌صحبت، بذله‌گو،



دکتر ضیاءالدین شادمان

و نقل هر مجلسی بود. وجودش در هر جمعی مانند چسبی بود که همه کس با هر سلیقه و گزاشی را جذب می‌کرد و در کنار هم نگه می‌داشت. جوانمرد بود و حس قدرشناسی در او قوی بود. اگر کسی برای او کاری می‌کرد آن را چند برابر بزرگ می‌کرد و برای دیگران تعریف می‌کرد. دکتر شادمان می‌گفت من مردم را با روح دوست دارم. در نخستین جلسه‌ی انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران پس از درگذشت دکتر شادمان، حاضران در جلسه از خاطره‌های خود از دکتر شادمان گفتند. از خصوصیات مردمی زنده‌یاد

دکتر شادمان یکی این بود که هر کسی فکر می‌کرد دکتر او را بیشتر از دیگران می‌شناسد و با او صمیمی‌تر است. یکی از عضوهای انجمن می‌گفت یک بار به دکتر شادمان گفتم: شما اگر در ایران بودید به ما محل نمی‌دادید. دکتر شادمان با شوخی گفت: شما که هیچ، بزرگتر از شما را هم تحویل نمی‌گرفتم!

شکی نیست که آقای حسین قربانیان و همسرش فهیمه خانم و فرزندانشان از نزدیک‌ترین ایرانیان مونترال به دکتر شادمان بودند و او را مانند پدر خویش می‌دانستند و همواره تا آخرین ساعت زندگی آن شادروان در کنارش بودند و برای او همچون خانواده‌اش بودند. آنان در روزهای تنهایی در کنار دکتر شادمان بودند و همان طور که دکتر شادمان درهای خانه و دلش را به روی آنان باز کرده بود آنان هم خانه و دل خود را به روی او گشوده بودند. خانم قربانیان می‌گوید دکتر شادمان با گذر عمر وارسته‌تر می‌شد و انسانی بود متواضع و فروتن. او از دکتر شادمان نقل می‌کند که می‌گفت: «اگر من ایران را از دست نداده بودم شما را به دست نمی‌آوردم.» آقای قربانیان می‌گوید دکتر شادمان در جمع بودن، و میهمانی دادن را بسیار دوست می‌داشت. همیشه فهرست میهمانان با ۳-۴ نفر شروع می‌شد و بعد می‌گفت: فلانی را هم بگوییم. فلانی را هم بگوییم. بدین ترتیب ناگهان ۳-۴ نفر به ۱۵-۱۶ نفر می‌رسید. دکتر شادمان هرگاه میهمان دعوت می‌کرد تمام کارها را خودش به تنهایی انجام می‌داد و به دیگران اجازه نمی‌داد دخالت کنند. از خرید و پاک کردن میوه و مواد غذایی تا پختن و پذیرایی. در هر میهمانی چندین پیش‌غذا و غذای اصلی و دسر از جمله بستنی و فالوده را خودش تنهایی درست می‌کرد. در ماه‌های آخر عمرشان خیلی زودتر خسته می‌شد. پس از این که مهمانی تمام می‌شد

زنده‌یاد دکتر سید ضیاءالدین شادمان در ماه اسفند مشغول سرودن قصیده‌ای بود در پیشواز بهار با مطلع: «آمد بهار و شکفته دشت و صحرا شد». یک بار چند بیت از آن را در پشت تلفن برای من خواند و گفت هنوز تمام نشده است. شوربخانه هفته‌ای پس از آن گفتگوی تلفن راهی بیمارستان و سفری بی‌برگشت شد و قصیده‌ی بهاری‌اش ناتمام ماند. صبح پنج‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۷ / ۱۲ مارچ ۲۰۰۹ که آقای علی‌اشرف شادپور تلفنی خبر ناگوار درگذشت دکتر شادمان را به من داد یاد قصیده‌ی وی افتادم و این چند بیت را در سوگ وی سرودم.

آمد بهار و شکفته گل از گلستان برفت  
و آن پیرمرد خسته تن دل جوان برفت  
آن باد صبح چو وزید از سرای غیب  
بر دوش آن، گل این بوستان برفت  
شمع سرای طرب کشته شد مگر  
پروانه‌ی وصال رسیدش وزان برفت  
ای جمع عاشقان! ز فغان ناله برکشید  
کان مست بلبل شیدای نغمه‌خوان برفت  
همچون ضیاء آفتاب همه سرزنده بود و شاد  
گرمای جمع ماست که از این میان برفت  
در حسرت زیارت ایران چه می‌گذاخت  
دردا! که عاشق ایران زین جهان برفت  
مانده است ناتمام قصیده‌ی نوروزی‌اش دریغ  
یوسف دریغ چه سود که سود و زیان برفت  
نوروز سبزی می‌رسد از راه و ما غمین  
چون شادمان شویم که آن شادمان برفت؟

یوسف امیری

پنج‌شنبه ۲۲/اسفند/۱۳۸۷ - ۱۲/مارچ/۲۰۰۹  
مونترال

هنوز ظرف‌ها را از روی میز جمع نکرده بودیم که دکتر شادمان می‌گفت خب مهمانی بعدی را کی برگزار کنیم؟ خانم قربانیان می‌گوید، مهم‌ترین خصوصیت دکتر شادمان انگیزه‌ی قوی برای زندگی بود. حتا در روزهای آخر که در بیمارستان بود می‌دیدید که در تلاش برای شاد نگه داشتن همه بود. با آن که درد می‌کشید وقتی کسی به دیدارش می‌رفت می‌گفت اینها را ول کن. جوک جدید چی داری؟ دکتر شادمان مرد تنهایی بود اما

ادامه در صفحه ۲۶ <<



**فیروز همتیان**

Agent Immobilier Affilié

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

Fax: (514) 364-3649

9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.

مشاور املاک و مستغلات

در مونترال و South Shore

مسکونی و تجاری

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

**رستوران گیلان**

با مجموعه‌ای از غذاهای لذیذ گیلانی

گیلان دوشنبه‌ها تعطیل است

(514) 807-8747

5700 Sherbrooke W Montréal H4A 1W8

شتابان که داخل بن‌بست خانه پیچیدم، بند کتابی زیر پایم رفت. سکندری خوردم و روی زمین ولو شدم. کز کز کف دستم لحظه‌ای بیقرارم کرد. بلند شدم و نگاهی به شلوارم انداختم. درست وسط دایره خاکی سر زانوی راست به اندازه یک دو ریالی سوراخ بود و رد باریکی از خون از سوراخ تا زیر زانویم جریان داشت. با خودم فکر کردم چه خوب که امروز روز آخر مدرسه بود. تند دستها و شلوارم را تکاندم و دویدم سمت خانه. از هشتی جلو در گذشتم. عرض باغچه را که پر شده بود از شکوفه های سیب رد کردم و جلدی پریدم بالای ایوان. گوشه در اتاق باز بود. همیشه دم عید مامان گوشه در را باز می گذاشت.

— اگه بهار بیاد و در به روش بسته باشه، قهر می‌کنه و تا یه سال دیگه پیداش نمی‌شه.

آخرین شعاع خورشید کم زور زمستانی از گوشه پنجره اتاقک، گونه ام را قفلک میدهد و رد خورشایند ولرمی روی صورتم به جا می‌گذارد. امروز هم گذشت. هر چه زور زدم گزارش مدیر عامل آماده نشد. قرار بود امروز حتما قبل از رفتن تمامش کنم. اه، لعنتی... این بار چیو بهانه کنم. ساعت را نگاه می‌کنم. هنوز دو ساعتی تا سال تحویل مانده. بلند میشوم. کیفم را برمیدارم. با عجله از کنار پتل هایی که ردیف به ردیف کنار هم

درست تا دم در پیچیده شده اند می‌گذرم. هنوز چند نفری مشغول کارند. صدای تلق تلوق صفحه کلیدها یک لحظه کریدور را راحت نمی‌گذارد. منتظر آسانسور نمی‌شوم. تند تند پله ها را دو تا یکی می‌کنم... فکر کردم گوشه سفره هفت سین کوچکی که مامان چند روز پیش پست کرده بود چه کم دارد. هفت سین مینیاتوری را مامان به نیت من از صنایع دستی خریده بود، هفت سین روی پایه‌های کوچک چوبی مثبت کاری شده مثل جا شمعی، قران روی یک رحل کوچک و یک آینه تزیینی چند سانتی. همه را خیلی دقیق پیچیده بود توی هزار لایه روزنامه و فرستاده بود. تنها کسری که به ذهنم رسید یک تنگ نقلی ماهی گلی بود. سبزه را خودم امسال سبز گذاشتم. بد نشد اما نمی دانم چرا وسطش به اندازه یک دو دلاری خالی ماند. شاید آبش کم بود شاید هم زیاد. راستی چرا آن سال مامان سبز نگذاشت؟ عرض پارکینگ را تا ماشین هروله می‌کنم. در

را بسته‌نبسته، سوئیچ را می چرخانم. ماشین غرشی می‌کند و راه می‌افتد.

از گوشه در یواشکی داخل اتاق را دیدم. زدم. رخساره رنگ به چهره نداشت. گوشه اتاق زیر پتوی گل بهی با گل بته های صورتی که خیلی دوستش داشت مجاله شده بود. گونه هایش که همیشه گل انداخته بود به زردی می زد و تند و بریده نفس می‌کشید. از چند ماه پیش که رخساره بی هیچ مقدمه ای ناخوش شده بود، حال و هوای خانه هم گرفته بود. بابا دیر برمی گشت از کار و وقتی هم می رسید شام خورده یا نخورده، استکان چای به دست بی آنکه حرفی بزند میرفت اتاق زیر شیروانی. یک جوری شاید ناامید شده بود. مادر اما هنوز دست به دامن پنج تن و چهارده معصوم بود. نذر کرده بود برای شفای رخساره بعد از سیزده تو همین باغچه نقلی خودمان سمنو بپزد. گندم و بادامش را هم یکی دو روز پیش گرفته بود.

— پسر نبینم این بادوما رو مشت مشت هاپولی کنی. اینا برا نذره. شگون نداره.

چمباتمه زدم کنارش و دستی به پیشانیاش کشیدم. داغ داغ بود. از سردی دستم تکانی خورد و آرام چشم باز کرد.

— داداش اومدی بالاخره.

— آره آبیجی.

— خریدی؟

نتوانستم بهش نه بگم. یعنی هیچوقت نتوانستم. هر وقت که با چشمهای درشت سیاهش به من زل می زد، برقی گوشه چشمش می دیدم که نه گفتن را غیر ممکن می کرد.

— همین الان از مدرسه رسیدم. پول ورداشتم برم بخرم آبیجی.

گل از گلش شکفت. انگار نه انگار که چند لحظه پیش بیحال دراز کشیده بود زیر پتوی گل بهی.

ماشین را می گذارم توی کوچه بغل مغازه ایرانی. نباید چند لحظه بیشتر طول بکشد اما محض احتیاط فلاشر را روشن می‌کنم. پیاده که می شوم ماشینی به سرعت از کنارم رد می شود. با چرخ جلو می کوبد داخل چاله آب و گلایه شتک می زند تا روی کشفه‌هایم. داخل مغازه می شوم. اوایل زیاد این دورو برها پدیدام می‌شد. اما از وقتی شنیدم که به خاطر تقلب مالیاتی، کلی جریمه شده، دیگر زیاد به دلم نیست. حقیقتش چند بار هم با دخترهای پشت دحل بگو مگو کردم. بس که این قیمتها با هم نمی خوانند.

— آقا یه دو تا ماهی عید بده.

— به چشم، خوب موقعی اومدی. دم عید ارزونش کردیم. نصف قیمت. راستی سمنو هم داریم ها. سمنوش حرف نداره. درجه یکه. نمی بری؟  
— سمنو ... بده ... یه کمی هم سمنو بده.

از در زدم بیرون. بوی سمنو پیچیده بود داخل بن‌بست و قاطی شده بود با عطر بوته یاس سفید که از دیوار آویزان بود. دست کردم توی جیبیم و ده تومانی مجاله شده را لمس کردم. از یک ماه پیش برش داشته بودم برای چهارشنبه سوری. فکر کردم چقدر فشفشه و ترفه که نمی‌شه با این ده تومن خرید. صبح به بابا گفته بودم: بابا پول میدی برا رخساره ماهی بخرم. آخه خیلی ماهی دوست داره. چشم غره ای بهم رفته بود و بعد از کمی مکث گفته بود خرج دوا درمان دیگه پولی این دم عیدی برام گذاشته؟ ترسیده بودم دیگه چیزی بگم. از ناخوشی رخساره به بعد، خیلی بد خلق شده بود. با مامان هم گاه بیگاه دهن به دهن می شد. مشتّم را از تو جیبیم درآوردم. ده تومانی رو که حالا کف دستم بود با حسرت نگاه کردم و یک راست دویدم سمت بساط ماهی فروش سر کوچه.

— آقا دونه چند؟

— این بزرگا ۱۰ تومن اون کوچیکترا دونه ای ۵ تومن.

— یه دونه ۵ تومنی بده.

— کدومو می‌خوای؟

— اون یکی که گوشه دمش یه خال سیاه داره ... اون نه ... آهان همون، خودشه آره.

— راستی لاک پشت و سمنو هم دارم. نمی‌خوای پسر؟

— سمنو؟ چنده سمنو؟

— ظرفی پنج تومن ...

تکون بخور د بدمصّب. عصی روی فرمان ضرب می‌گیرم. لعنتی یک ربعی هست که یک متر هم جلو نرفته. ترافیک آن هم این موقع؟ یاد راه بندان های دم عید تهران میافتم. بعضی وقتها مجبور بودم شب عید هم اضافه کار کنم یا به قول بابا سگ دو بزنم برای یک لقمه نان.

— الو رخساره، سلام. تو ترافیک ولی عصر گیر کردم. فکر نکنم به سال تحویل برسیم. به مامان بگو نگران نشه. راستی عیدیتو گرفتیم. آره ... همون که می خواستی. ببخش که نمی تونم سر سفره بهت بدم. عیدت مبارک خیلی. همین دیگه. خداحافظ ...

ادامه در صفحه ۲۷ <<

## بررسی رمان «رسوایی»

این داستان آفریقای جنوبی است، جایی که در آن واقعیتی به نام تبعیض نژادی (آپارتاید) وجود دارد. داستان مردی است که زنان زیادی را در زندگی‌اش تجربه می‌کند اما برخی از این تجربه‌های جنسی برای مرد بسیار گران تمام می‌شود. این کتاب، داستان مردان و زنانی است که در گوشه‌ای از این دنیا زیر سایه‌ی سنگین تبعیض‌های نژادی روزگار را سپری می‌کنند.

الف.د.

یکشنبه سوم مارس ۲۰۰۹ در کافه لیندا با حضور خانم‌ها اعظم حیدری و ندا زارع و آقایان پاشا جوادی، محمد جباری حق و احسان دانشیار در دومین جلسه‌ی باشگاه کتاب، رمان «رسوایی» (Disgrace) اثر ج. م. کوئتری (J. M. Coetzee) بررسی شد. در ابتدا اعظم حیدری در مورد زندگی و آثار نویسنده صحبت کرد و سپس دوستان در مورد کتاب نظرهای خود را ارائه کردند.

این کتاب در مورد استاد دانشگاهی است که یکی از دانشجویان خود را فریب می‌دهد و با آن دختر (مالنی) روابط جنسی را آغاز می‌کند. پس از مدتی به تحریک دوست‌پسر مالنی دختر به مسئولان دانشگاه شکایت می‌کند و سرانجام استاد دانشگاه با سرافکندگی و رسوایی از دانشگاه اخراج می‌شود. استاد سابق دانشگاه با شرمی که از اتفاقاتی که برایش افتاده است به خانه‌ی دخترش واقع در دهکده‌ای پناهنده می‌شود و در آنجا است که استاد خود را با واقعیتی به نام تبعیض نژادی روبرو می‌بیند. در حقیقت نیمی از داستان، رخدادهایی است که در جامعه‌ی تبعیض‌آمیز در آفریقای جنوبی اتفاق می‌افتد. اعظم حیدری معتقد است که تأثیر جامعه‌ی تبعیض‌آمیز بر استاد بسیار مشهود است. دختر استاد که صاحب مزرعه‌ای است، مجبور به تحمل آن جامعه‌ی تبعیض‌آمیز است. جامعه‌ای که قدرت در دستان سیاه‌پوستان است و سفیدپوستان در اقلیت هستند. دختر این واقعیت را قبول کرده است که باید در این جامعه زندگی کند حتی اگر به قیمت تجاوز به او باشد (در قصه سه نفر سیاه پوست به او تجاوز می‌کنند و این در حالی است که پدر دختر در همان خانه حبس شده است). در این شرایط، دختر بخت رفتن به هلند را داشت، جایی که مادرش در آنجا زندگی می‌کرد. اما دختر مصمم به ادامه‌ی زندگی در همان مزرعه‌ی کوچک می‌شود. در حقیقت پدر و دختر می‌دانند که در آنجا آینده‌ای ندارند اما در نهایت هر دو تصمیم می‌گیرند در آنجا زندگی کنند، زندگی در جامعه‌ای سنتی.

به نظر پاشا جوادی جامعه‌ی آفریقای جنوبی جامعه‌ای بسیار سنتی است که فاصله‌ی بسیاری با دنیای غرب دارد و دختر این استاد هم در همان جامعه و زیر نفوذ همان قانون‌های سنتی مجبور به زندگی است، زندگی شرمگین.

به قول محمد جباری حق، دختری خارجی به محیطی رفته است که در آنجا قانون‌های سنتی حاکم است و حال، دختر مجبور به کنار آمدن با این شرایط است. اعظم حیدری نیز اضافه می‌کند که در این منطقه‌ی خاص، سفیدپوست‌ها از سیاهان می‌ترسند. پاشا جوادی نیز معتقد است که کتاب بیانگر برتری نژادی در آفریقای جنوبی است و هر گونه مخالفت یعنی مخالفت با کل مجموعه‌ی آپارتاید.

به نظر محمد جباری حق، حس شرمساری در این کتاب به وضوح دیده

می‌شود. او معتقد است ادبیات امروز ادبیات داستانی نیست و بیشتر ادبیات حسی است و در این کتاب حس شرمساری ملاقات ثریا و دو پسرش در خیابان با استاد، مردی که هر هفته با ثریا روابط جنسی دارد، شرم داشتن روابط با شاگردش، اغواگری‌های استاد، شرم داشتن روابط با منشی دانشگاه و با زن‌های دیگر در کتاب موج می‌زند. نکته‌ی جالب دیگر این است که دختر استاد پس از تجاوز سه سیاه پوست به او دیگر رفتار عادی و عقلانی ندارد و شاید انتخاب دختر برای ماندن و ادامه دادن زندگی در آن جامعه تبعیض‌زده هم ناشی از شکسته شدن و خورد شدن روح دختر در زیر بار شرم تجاوز سیاهان بوده است.

به نظر پاشا جوادی و احسان دانشیار پدر مالنی بیماری مذهبی است زیرا در جایی از داستان استاد را برای شام به خانه‌ی خود دعوت می‌کند و در حقیقت با این رفتار خود می‌خواهد استاد را به راه راست هدایت کند و او را شرمگین کند. این طرز تفکر تمثیل و نمادی از عمق کهنه‌پرستی و جهالت مذهبی پدر را نشان می‌دهد.

پاشا جوادی و احسان دانشیار معتقدند که در کتاب به وضوح مسئله‌ی تجاوز مطرح نشده است. آیا واقعا به مالنی تجاوزی صورت گرفته است؟ آیا دختر، خود هم راضی به داشتن ارتباط با استاد خود بوده و یا خیر؟ و اگر این که ما قبول کنیم داشتن رابطه‌ی جنسی بدون علاقه در حقیقت تجاوز است پس نظر و علاقه‌ی مالنی هم بسیار مهم است. متأسفانه این موضوع در کتاب به صورت واضح مطرح نشده است و ما نمی‌دانیم که آیا واقعا مالنی راضی به داشتن ارتباط با استاد بوده و یا خیر.

اعظم حیدری اضافه می‌کند که در جایی از داستان مالنی به استاد پناه می‌برد و ما نمی‌دانیم که آیا تحریک جنسی باعث این پناه آوردن شده و یا علاقه به استاد و یا تحت شرایطی خاص مالنی مجبور به پناه آوردن به استاد شده بود. به نظر محمد جباری، مالنی مردد در داشتن ارتباط با استاد بوده و این خود داستان را پیچیده‌تر می‌کند زیرا مالنی در داستان نظر واقعی خود را در داشتن ارتباط با استاد هیچ وقت مطرح نمی‌کند.

در جواب سوال پاشا جوادی که چرا دختر در جامعه‌ی تبعیض‌آمیز آفریقای جنوبی می‌ماند و به هلند نمی‌رود محمد جباری پاسخ داد که دختر پس از تجاوز سه سیاه پوست به او، دور خودش دیواری کشید و برای خودش صومعه‌ای درست کرد. تمامی مزرعه به جز خانه را به پتروس سیاه‌پوست بخشید و خود را در دنیای خود در آن خانه حبس کرد و این همه نشان از افسردگی و شرم پس از تجاوز برای دختر را داشت و در این میان استاد (پدر دختر) حس شرم را با خود به آن خانه برد و به بدبختی‌ها اضافه کرد.

اعظم حیدری در ادامه‌ی بحث اضافه کرد که استاد تقاص تجاوزهایش به زنان را به خوبی در بلایی دید که به سر دختر خودش آمد و در آن دهکده نتیجه‌ی جنایت‌های خودش را دید و به عقیده نگارنده نظرهای استاد هیچگاه در مورد زنان عوض نشد زیرا از ابتدای داستان تا به انتها استاد با زنان بسیاری ارتباط جنسی برقرار می‌کند، حتا در ابتدای داستان استاد می‌گوید که زیبایی زنان فقط به خود آنان تعلق ندارد و آنان وظیفه دارند این زیبایی را با دیگران قسمت کنند. پاشا جوادی نیز اضافه کرد که استاد بسیار ناراحت بود که دیگر نمی‌تواند زنان جوان را اغوا کند زیرا حال، او مردی پیر است.

اعظم حیدری پرسش جالب دیگری مطرح می‌کند که چرا دختر استاد پس از تجاوز به او، داستان را به پلیس گزارش نمی‌کند و چرا حمایت پتروس را - که خود در این ماجرا دست داشت - قبول می‌کند و هیچ اقدامی نمی‌کند؟

در کل به نظر ندا زارع و اعظم حیدری، کتاب داستان انحلال و بیچارگی استاد دانشگاه است. به نظر محمد جباری پرخواننده ترین کتاب‌ها آنهایی است که شخصیت اول آنها سختی و بیچارگی بسیاری می‌کشند و خورد می‌شوند و این نزول و افت موقعیت اجتماعی شخصیت اول داستان در بسیاری از آثار بزرگ ادبی دیده می‌شود. به نظر پاشا جوادی ادبیات زخم جامعه است، بازتابی از بیچارگی‌ها و آلام جامعه از زبان و قلم نویسنده.

در نهایت هر پنج نفر بر این نظر بودند که تحت تأثیر کتاب قرار گرفتند و کتاب نکته‌های جالبی برای آنان داشت.



## از احساسات خود استفاده مثبت کنید

وقتی از ضرورت کنترل احساسات خود صحبت می کنیم، این بدان معنا نیست که داشتن این احساسات بد است. احساسات را می توان به اسب های وحشی تشبیه کرد. اسبی که در مقابل داشتن زین مقاومت می کند، غیر قابل کنترل است و برای سوار خود چندان مفید نیست. در حالیکه اسب رام شده، هم مفید است و هم می تواند همراه خوبی باشد. موضوع مهم آن است که ما ارباب احساسات خود باشیم نه برده آنها.

هیجانها احساسی، همانند یک اسب سرکش، سرسخت و مهار نشدنی به نظر می رسند. نکته مهم این است که نباید به دنبال حذف آنها بود بلکه باید در پی بدست گرفتن کنترل مغز و در نتیجه استفاده از احساسات در مسیری مثبت و سازنده بود. این هیجانها، اگر از آنها به درستی استفاده شود، می توانند سرچشمه انرژی در زندگی شما باشند.

شاید شما فکر می کنید که بر احساسات خود تسلط کامل دارید و هرگز دچار طغیان عاطف نشده و براحتی خشم، ناامیدی و سایر احساسات خود را پنهان می کنید. اما در حقیقت، این حالت به مثابه رها کردن آن اسب وحشی در محیط بسته اصطبل است و شما هنوز کنترلی بر اسب سرکش احساسات خود ندارید. احساسات، محصول پر قدرت و ارزشمند مغز شماست و جای تاسف است اگر از توان بالقوه آنها در مسیری سازنده بهره برداری نکنید. برای این کار، تنها لازم است افکار و احساسات خود را به مسیری مثبت هدایت کنیم. به عنوان مثال، رفتارهایی مانند فریاد کشیدن، شکستن و یا کتک زدن در هنگام خشم ابدی کمکی به شما نمی کند. واکنش های انفعالی نیز، که به شکل پنهان کردن خشم و یا نادیده گرفتن آن بروز می کند، سلامتی و اعتماد به نفس شما را به خطر می اندازند.

بهتر است که هوشیارانه نیروی احساسات خود را به شکلی سازنده بازیابی کنیم. به جای آن که به دیگران نشان دهید که عصبانی و ناراحت هستید و یا احساس حسادت می کنید، به پیاده روی بروید، مراقبه کنید، برقصید، بنویسید و یا کاری هنری انجام دهید. زمانی که درگیر احساسی منفی هستید از خود بپرسید: " چگونه می توانم از این احساس و انرژی نهفته در آن به نفع خود استفاده کنم؟ " با تکرار این روش و به مرور زمان در می یابید که خشمتان به انگیزه ای برای تلاش بیشتر، حسادت در وجودتان به دلسوزی و غم آزردهنده در قلبتان به غمخواری برای دیگران تبدیل شده است.

## تمرین: یاد آوری مثبت

ممکن است که در آغاز، تغییر مسیر احساسات و هدایت آن ها به کانالی مثبت بسیار دشوار باشد. احتمالا شما حتی پس از تصمیم قاطع برای تغییر، خود را دوباره و دوباره گرفتار احساسات هائی ویرانگر می یابید. به یاد داشته باشید که این رفتار طبیعی مغز شماست که تلاش می کند شما را به عادات آشنا و تکراری گذشته تان برگرداند. با تکرار و تمرین و با ایمان به این که با این کار تغییری مثبت و تعیین کننده در زندگی خود ایجاد می کنید به مغز خود فرصت دهید که به روش جدید شما عادت کند.

برای آن که خود را در مسیری مثبت نگه دارید به وسیله ای نیاز دارید که هدف و برنامه تان را گاه به گاه به شما یادآوری کند. به عنوان نمونه می توانید انگشتی به دست کنید که هر زمان به آن نگاه کردید قولی که به خود داده اید را بیاد آورید. و یا یک قطعه سنگ کوچک و صاف پیدا کنید و کلمه یا عبارتی مثبت روی آن بنویسید و آن را همیشه با خود داشته باشید. هر زمان که کنترل احساسات خود را از دست دادید، با لمس این سنگ، ذهن شما دوباره به طور ناخودآگاه به تمرین مثبت می پردازد.

## شروعی تازه

بهترین راه برای احساسات خلاقیت بیشتر، شروع از نقطه صفر است. منظور از نقطه صفر، جایی است که شما خود را از شر همه موانع روانی و عاطفی که در مسیر ظهور تمام عیار خلاقیت بالقوه تان وجود دارد رها کنید. این موانع در حقیقت همانا تعصبات، پیش داوری ها و خاطرات تلخ گذشته است که شما را از دستیابی به زندگی ایده آل باز می دارد.

در کمال ناباوری باید گفت که این نفس شماست که شما را از خلق آنچه واقعا می خواهید باز میدارد. به عنوان مثال، ممکن است که شما همیشه به فرارگرفتن فن آواز علاقه داشته اید ولی صدایی در ضمیرتان تکرار می کند " من استعداد موسیقی ندارم، ویا " اگر آواز بخوانم حتما موجب شرمندگی خود و یا اطرافیانم می شوم. ریشه این باورها معمولا در تجربیات بد شما در گذشته است و به زمانی باز می گردد که دیگران شما را آزار داده اند و یا ناامیدتان کرده اند. در بخش های قبل نیز بارها گفته ایم که شما بر حوادث گذشته و یابر رفتار دیگران کنترلی ندارید؛ شما فقط از طریق کنترل خود، انتخاب های خود و رفتارهای خود است که می توانید در وضعیت زندگی تان تغییری ایجاد کنید و این کار تنها با نادیده گرفتن خاطرات گذشته و کنار گذاشتن باورهای نادرستی که نسبت به خود دارید عملی خواهد بود.

نبوغ واقعی در انباشتن اطلاعات مختلف در مغز و کسب موفقیت در آزمون های هوش معنا نمی شود؛ نبوغ در واقع توانایی ما در استفاده از این اطلاعات به روشی منحصر بفرد در زندگی است. با این تعریف آشکار می شود که چرا همه ما بالقوه نابغه هستیم زیرا هر یک از ما به شکلی کاملا بی نظیر از دانسته های خود در زندگی استفاده می کنیم. برای آن که از نیروی نامحدود نبوغ خود بهره برداری کنیم، ابتدا باید آن را باور کنیم. هر روز به خود بگویید " من یک نابغه هستم، " و عمیقا به این گفته ایمان بیاورید. وقتی این فکر به طور کامل و صادقانه در ذهنتان جا بگیرد، شما جریان طبیعی نبوغ را در مغز خود احساس می کنید.

برای کشف خلاقیت های خود، به گفتگو های درونی تان توجه کنید. آیا این گفتگوها، شما را قوی تر و مطمئن تر می کند ویا برعکس، همچون مانعی از دستیابی شما به آنچه واقعا می خواهید باز میدارد؟ آیا در جریان گفتگو های نفستان با شما الگو های عاطفی منظمی به چشم می خورد؟ آیا در نتیجه گوش دادن به صدای درونی خود احساس کم ارزش بودن و یا ناکافی بودن می کنید؟ با دقت کردن به این گفتگو ها و شناخت الگوهای تکراری آن ها، به تدریج می توانید در صورت لزوم این صداها را ساکت کنید.

<< ادامه در صفحه ۲۷ >>

# خبرهایی از دانش و فناوری

■ مصطفی مدیرروستا

## تک قطبی بازار، حتا برای تلفن‌های هوشمند

نظر عمومی بر این است که وجود رقابت در بازار اثر مثبتی برای مصرف‌کنندگان دارد، و نبود رقابت امکان انتخاب و قدرت چانه‌زنی را از آنان می‌گیرد. به نظر می‌رسد بازار نوپای تلفن‌های هوشمند (مانند iPhone) در همین آغاز کار در حال تنیدن پیله‌ی تک‌قطبی خود است. شرکت رایانه‌ساز «دل» (Dell) که نحوه‌ی کارش سال‌ها بر سر زبان‌ها بود، در قدمی برای ورود به این بازار جدید، با شکست و طرد شدن از طرف شرکت‌های تلفن مواجه شد. Appleinsider - که خبرهای داغ و گاه‌بگاہ پشت پرده‌ی شرکت‌هایی چون اپل را فاش می‌کند - روز ۲۱ ماه مارس ۲۰۰۹ م. از قول شرکت‌های خدماتی تلفن نقل کرد که این شرکت‌ها یا به دنبال دستگاه‌های تلفن ساده، از نوع ال.جی هستند که به رایگان به مشتریان‌شان بدهند، یا دستگاه‌هایی را می‌خواهند که زرق‌وبرق‌شان چشم‌ها را خیره کنند، مانند iPhone ۳G و Blackberry Storm. از طرف دیگر «دل» دانش و تجربه‌ی لازم برای ساخت و فروش چنین دستگاه‌هایی را ندارد. این شرکت نه در کار دستگاه‌های حمل‌شدنی (portable) است و نه در کار نوشتن برنامه‌های کامپیوتری. به عنوان مصرف‌کننده، آیا شکست «دل» در نفوذ به این بازار، قیمت‌گزافی را بر دوش ما خواهد گذاشت یا نه؟ آینده‌ی این بازار نوپا هنوز در کار شکفتن است و باید کمی بیشتر به انتظار نشست تا دید که بلوغ آن به چه گونه جلوه‌گر خواهد شد.

## یافت سیاره‌های زمین‌سا، مشکل‌تر از آنچه که می‌پنداشتیم!

وبگاه خبری جمعیت بین‌المللی فضایی (The International Space Fellowship) - که خبرهای جهانی مرتبط با فضا را منتشر می‌کند - روز ۲۰ مارس ۲۰۰۹ در خصوص یافت سیاره‌های زمین‌سا مقاله‌ی جالبی را منتشر کرده است. سازمان فضایی ناسا، اخیراً سفینه‌ی کپلر را به منظور جستجوی چنین سیاره‌هایی به فضا فرستاده است. طبیعتاً نباید به موفقیتی زودرس در این زمینه بسیار خوشبین بود. با وجود این، حتا پس از یافتن سیاره‌ای که از لحاظ مسیر حرکت به دور خورشیدش و ابعاد به زمین مانده باشد، پرسشی که پاسخ به آن تعیین‌کننده است این است که آیا جو این سیاره‌گازهای به اصطلاح زیست‌ساز

را دارد یا خیر. یافتن پاسخ به این پرسش در حال حاضر منوط به این است که سیاره در هنگام نپاهش (رصد) ما از مقابل خورشید خود بگذرد که در آن گاه تشعشع خورشید گازهای زیست‌ساز را تحریک کرده، باعث تابش امواجی می‌شود که پس از گیر افتادن و بررسی، ماهیت آن گازها را برای نپاهنده آشکار می‌سازد. این وضعیت خورشید، سیاره، و نپاهنده‌ی پشت تلسکوپ روی زمین یا سوار بر ماهواره - که «تراند» (transit) گفته می‌شود - نه تنها کمیاب است، بلکه برای شناخت کامل و قطعی باید صدها، اگر نه هزاران، بار تکرار شود.

## بدن، نسخه‌ی ۲



هیچ از خود پرسیده‌اید اگر بیماران قند، یا سرطان، خیلی پیش از آن که بیماری‌شان پیشرفته باشد به مشکل خود پی برده بودند، شاید حتا به مرحله‌ی بیماری نمی‌رسیدند؟ هیچ از خود پرسیده‌اید اگر سطح ترشح هورمون‌های بدن ما پیوسته اندازه‌گیری و ثبت می‌شد بسیاری از خطرهای سلامتی عارض ما نمی‌شد؟ با پیشرفت‌های کنونی و آنچه که آینده آستان آن است، زمانی نمانده است که این آرزوها به حقیقت بیوندند و خیل کلانی از بیماری‌های کنونی از دور زمان پاک شوند. با ترکیب زیست‌پزشکی، فناوری، و ارتباط بی‌سیم به چیزی می‌رسیم که وبگاه خبری Singularity Hub آن را «بدن، نسخه‌ی ۲» نامیده است. تصور این که در هر لحظه بسیاری از پارامترهای زیستی ما اندازه‌گیری شده، به مرکزهای از پیش تعیین‌شده ارسال شود، و یا با داده‌های از پیش ضبط شده در مثلاً بلک‌بری (Blackberry) هم‌راهان مقایسه شود و شما را لحظه به لحظه از اثر داروی خاصی که مصرف می‌کنید آگاه کند، و پیش از آن که سکتی یا خطر دیگری روی دهد جلوی آن را بگیرند. آری تصور این «بدن ۲.۰» امروز دیگر به رویا مانده نیست. اما برای این مهم، احتیاج به دسترسی پیوسته به خون و دیگر مایع‌های بدن است که چندان بدیهی نیست. با کمک نانوفناوری و دیگر امکانات موجود، دانشمندان رشته‌ی پزشکی هوشمند

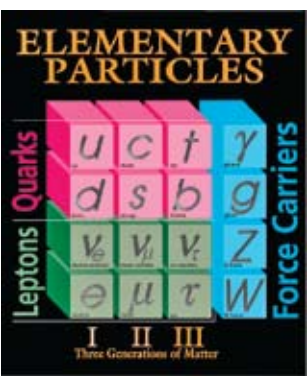
## در سال پیش، ۱۷ میلیون علاقه‌مند موسیقی دیگر سی.دی خریدند

وبگاه خبری Ars Technica گزارش می‌دهد که در سال ۲۰۰۸، خریداران سی.دی به میزان قابل توجهی کم شده است گر چه در همین دوره، فروش موسیقی ۱۰ درصد افزایش داشته است. با این حال، درصد خریداران موسیقی به روش‌های الکترونیکی، تنها ۸ میلیون افزایش داشته است. یکی از دلایل‌های کاهش فروش سی.دی، کم شدن درآمد خانواده‌ها است که در وهله‌ی اول، با کم کردن بودجه‌ی سرگرمی نمایان می‌شود. علاوه بر این، ارزانی آلبوم‌های الکترونیکی و روی آوردن بیشتر به بازی‌های الکترونیکی نیز از عامل‌های این کاهش در فروش سی.دی هستند.

## کشف ذره‌ی زیراتمی جدید

آن را Y۴۱۴۰ نامیده‌اند و دانشمندان در گفتند که این ذره که هیچ نظریه‌ای وجودش را پیش‌بینی نکرده است از کدامین ذره‌های دیگر پدید آمده است. وبگاه خبری Universe Today از آزمایشگاه مشهور فرمی (Fermi lab)، به افتخار انریکو فرمی، فیزیکدان مشهور خبر داده است که پژوهشگران آن به کمک تواترون (Tevatron) آن مرکز ذره‌ای را کشف کرده‌اند که برای آن توجیهی ندارند. در حال حاضر، فیزیک اتمی ماده را ترکیبی از کوارک‌ها می‌داند. برای مثال مزون ترکیبی از یک کوارک و یک پادکوارک است و باریون‌ها ترکیبی از ۳ کوارک. آنچه که از این ذره‌ی جدید دیده شده است، دانشمندان را به این باور می‌رساند که شاید Y۴۱۴۰ ترکیبی باشد از «کوارک چارم» (charm quark) و «کوارک پادچارم» (anti-charm quark) که نوعی خاص از کوارک هستند.

ولی دیگر شواهد با انتظارات دانشمندان از این ترکیب وفق نمی‌کند. با این حال، سخنگوی آزمایشگاه فرمی می‌گوید که این ذره سعی دارد چیزی به ما بگوید، گر چه هنوز نمی‌دانیم آن چیز چیست.





## اقدامی عجیب برای حفظ گور ایرانی

### ■ اسرا طوبایی

گور ایرانی [۱] که گورخر، گور اسب و خر دشتی نیز نامیده می‌شود، در گذشته به تعداد زیاد در حاشیه‌ی کویر مرکزی از شمال زابل تا خراسان، سمنان، جنوب ورامین، قزوین، دشت‌های مجاور پارک ملی «کلاه قاضی» و گاو خونی در استان اصفهان، سیرجان در استان کرمان، منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی «بهرام گور» در استان فارس، ابرقو، هرات و نایبندان در استان یزد وجود داشته است. در حال حاضر نسل این حیوان به علت‌هایی از قبیل تعقیب و شکار گور با موتور سیکلت و اتومبیل، تخریب زیستگاه و اشغال آبشخورها در تمام منطقه‌های ذکر شده به جز منطقه‌ی حفاظت شده‌ی «بهرام گور» در استان فارس و پارک ملی توران در استان سمنان نابود شده است. گور را می‌توان پرچم کویر نامید. همه ساله تعداد زیادی از افراد طبیعت‌گرد برای مشاهده‌ی این حیوان کمیاب به منطقه‌های توران و بهرام گور سفر می‌کنند.

گور بر خلاف خر سابقه و منزلت با رزی در تاریخ و فرهنگ ایران به ویژه در هنرهایی از قبیل شعر، نگارگری (میناتور)، فرش و نقاشی داشته است. چنانچه نظامی چشم‌های زیبا را به چشمان گور تشبیه می‌کند. در کتاب‌هایی مانند «هفت پیکر» نظامی گنجوی و «شاهنامه» ی فردوسی توسی نیز وصف زیادی از گور شده است. گور ایرانی شبیه خر با گوش‌هایی کوتاه‌تر و جثه‌ای کمی بزرگ‌تر از خر است. رنگ پشتش زرد متمایل به نارنجی است، و رنگ زیر بدن، پهلوه‌ها و کفل‌ها سفید متمایل به زرد است، و یال سیاهی بر روی گردن دارد. این حیوان تندروترین عضو خانواده‌ی اسب و خر است و می‌تواند مسافت‌های کوتاه را با سرعت ۶۰ تا ۷۰ کیلومتر و مسافت‌های بسیار طولانی را با سرعت ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر در ساعت بدود. گور از گیاهانی نظیر درمنه تغذیه می‌کند و وابستگی زیادی به آب دارد و تابستان‌ها در اطراف آبشخورها مشاهده

می‌شود. در هنگام جست‌گیری جدال‌هایی بین نرها صورت می‌گیرد که با لگد زدن و گاز گرفتن همراه است. نرها اغلب قسمتی از دم خود را در این جدال‌ها از دست می‌دهند. طول عمر گور حدود ۴۰ سال است.

به تازگی سازمان حفاظت از محیط زیست ایران در اقدامی بی‌سابقه برای جلوگیری از فعالیت شکارگران در منطقه‌ی خارتوران، شروع به کشیدن نرده و حصار به دور محل سکونت این جانور کرده است. رییس این سازمان اعلام کرده که این طرح ۶۰۰ میلیون تومانی جهت تکثیر گورخر ایرانی است و پس از انجام موفقیت‌آمیز طرح، نرده‌ها باز می‌شوند و قرنطینه‌ی گورخرها به پایان می‌رسد. او این اقدام را طرحی پخته می‌داند که می‌تواند مکان مناسبی برای حفاظت و تکثیر این گونه‌ی جانوری به وجود آورد. رییس سازمان حفاظت از محیط زیست استان سمنان نیز با تأیید این طرح به تعداد کم گورخرها، ضرورت تکثیر و پرورش آنها در وسعت ۷۰۰ هکتاری کویر خارتوران، و نیز به قابلیت و وسعت این محیط اشاره کرد. او افزود:

گورخرها در محیط نرده‌کشی شده جای کافی برای دویدن و چرا خواهند داشت. با وجود این اظهارات، کارشناسان محیط زیست در ایران به شدت با اجرای این طرح مخالف هستند. بر طبق نظر دکتر اسماعیل کهرم، استاد دانشگاه و فعال محیط زیست، این طرح غیراصولی است، چرا که حصار دور این گونه جانوران وحشی آنها را دست‌آموز کرده و از جرگه‌ی جانوران وحشی خارج می‌کند. دکتر کهرم به گفت‌وگویش با «جرج شالار» (George Schaller)، گورخرشناس معروف جهان، اشاره می‌کند که گفته است: «این کار در هیچ جای دنیا در این سال‌ها انجام نمی‌شود و نمی‌توان گورخر را مثل مرغ خانگی تربیت کرد.»

در این باره مدیر روابط عمومی جمعیت حمایت از حیوانات اشاره کرد که گورخر ایرانی در حال انقراض بوده و باید از آن به طور طبیعی حفاظت شود. او نرده‌کشی دور جانوران وحشی را اقدامی تعجب برانگیز و البته قدیمی و منسوخ اعلام کرد.

مهندس بختیاری، کارشناس ارشد حیات وحش، گورخرهای ایرانی کویر خارتوران را به خاطر زیستگاه یک میلیون هکتاری‌شان بی‌نیاز از حصارکشی دانست و گفت: «این طرح، فضا و نیاز زیستی گورخرها را تغییر می‌دهد چرا که محدود کردن حیوان نیازهایش را محدود می‌کند. به عنوان مثال، گورخر برای جبران کمبود فسفات نیاز دارد بوته‌های شور را بخورد و طبیعت این امکان را برای او فراهم می‌کند. از طرف دیگر محصور کردن گورخرها شیوه‌ی زندگی آنها را ساده کرده و آنها را در برابر مشکلاتی مثل بیماری‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.»

با وجود مخالفت‌های شدید کارشناسان حیات وحش، رییس سازمان محیط زیست ایران اعتقاد دارد این طرح باعث جذب گردشگر و ایجاد آزمایشگاهی برای انجام مطالعات و تحقیقات زیست محیطی در منطقه می‌شود. او افزود: این طرح در تابستان ۱۳۸۸ نهایی می‌شود و در حال حاضر به خاطر سردی هوا، طرح با توقف موقتی مواجه شده است.

[۱] نام رایج: Persian Wild Ass نام علمی: Equus onager (E. hemionus)

منبع:

۱- کتاب راهنمای صحرایی پستانداران ایران، هوشنگ ضیایی، پاییز ۱۳۸۷.

۲-

C. Moehlman, P. D., Shah, N. & Feh, (۲۰۰۸). Equus hemionus

برگرفته از فهرست سرخ سازمان ملل متحد برای گونه‌های در خطر (۲۰۰۸) IUCN Red List of Threatened Species

نشانی: <http://www.iucnredlist.org>

تاریخ دستیابی ۱۷ مارچ ۲۰۰۹

۳- جواد حیدریان: «گزارش تشریحی-تصویری فنس‌کشی زیستگاه گورخر ایران» (بهمن ۱۳۸۷). برگرفته از

<http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=۸۲۸۵۵۱>

تاریخ دستیابی: ۱۷ مارچ ۲۰۰۹



## در سوگ دکتر ضیاء الدین شادمان ادیب و ورزشکار ملی کشورمان

ای چرخ فلک خرابی از کینه توست  
بیدادگری شیوه دیرینه توست  
ای خاک اگر سینه تو بشکافند  
بس گوهر قیمتی که در سینه توست

■ هادی متبسم

دکتر ضیاء الدین شادمان مردی بزرگ و انسانی فرزانه، در روز ۱۱ مارچ سال جاری در مونترال و دور از وطن درگذشت.

او در تمام طول زندگیش یک دم از تلاش در راه اعتلای نام ایران و فرهنگ ایران و کمک و یاری به دوستان و اطرافیانش از پای ننشست و با کوله باری پر و پیمان، عطای دنیای فانی را به لقایش بخشید و رفت. ضیاء شادمان انسانی است که اگر دفتر زندگیش را بکشایید هر برگش به درخشش و روشنی صبح بهاری است. شادمان در غربت بخش دوم زندگی مردی است که به اجبار همانند جمع کثیری از هم میهمانان دور از وطن می زیست. اما غم غربت و دوری از وطن باعث



▲ تیم بسکتبال ایران در المپیک سال ۱۹۴۸

\* عکس ها از آلبوم خانوادگی دکتر ضیاء الدین شادمان با سپاس از همسر گرامی ایشان برای در اختیار گذاشتن آنها



▲ شادمان ورزشکار، کاپیتان تیم ملی بسکتبال ایران، در حالی که محمد رضا شاه پهلوی، پیش از عزیمت به مسابقات المپیک ۱۹۴۸ توپ تیم را امضا می کند.

نشد که همانند بسیاری از ما خانه نشین شود. او در تمام مدت زندگی دور از وطن در راه اشاعه و معرفی فرهنگ و ادب فارسی تعلل نکرد.

راه اندازی انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران، انجمن حافظ خوانی، و برقراری گروه آئی های متعدد و تورهای دسته جمعی برای هم میهنان دور از وطنش و تاکید و پای فشاری بر اجرای آداب و رسوم فرهنگی کشورمان، بخشی از فعالیت های به ثمر نشسته او بود.

آنچه در بالا آمد و همه در طول اقامتشان در این شهر شاهدش بودیم بخشی از زندگی شادمان ادیب و غریب بود. اما بخش عمده و به عقیده نگارنده پر ثمرتر زندگی او در ایران گذشت. اینجانب به ضرورت رشته تحصیلی و شغلی از سالها پیش با نام دکتر سید ضیاء الدین شادمان آشنا بودم و این شناخت مربوط به وجه ورزشی این مرد بزرگ بود.

شادمان در سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ هم زمان تحصیل در دارالفنون با جباردادگان پدر بسکتبال نوین ایران آشنا و این رشته را از او آموخت و در کنار مردانی همچون جبار دادگان، صلیبی، غلام واعظی و محمود عدل و بقیه به اشاعه و آموزش این رشته ورزشی همت گماشت.

ضیاء جوان با پویایی مختص خودش و برخوردار از فیزیک بدنی بالا و آماده تا جایی پیش رفت که بعنوان بازیکن و کاپیتان تیم ملی بسکتبال کشورمان برای اولین مرتبه در المپیک لندن حضور پیدا کرد. او در کنار بسکتبال در رشته والیبال هم تا مقطع ملی پیش

رفت. سخن درباره شخصیت ورزشی دکتر شادمان را با بیان مطلبی از دکتر محمد بنایی بنیان گذار پیش آهنگی در ایران و مدرس دانشگاه ورزش به پایان می برم. او در معرفی شادمان چنین می گفت:

«ضیاء شادمان ورزشکاری قوی، مردی درستکار، وطن پرست به حد اعلی، خوش محضر و دوست داشتنی است. ورزش ایران به این مرد مدیون است.»

دکتر شادمان در کنار ورزش تحصیلاتش را تا مدارج بالا طی نمود و در رشته حقوق به درجه دکترا رسید و در مقامهای مختلفی از جمله استاندار، شهردار تهران و نمایندگی مجلس خدمت کرد.

رفتن دکتر شادمان غم بزرگی است که بی شک بر دل همه دوستداران او در مونترال و در دیگر نقاط جهان سنگینی می کند. محمد رحیمیان در «پیوند» چه زیبا یادآور شد آن جمله معروف جلال آل احمد را که: «پیر مرد چشم ما بود» و به قول خانم دکتر راضیه رضوی، از این پس «یکشنبه ها را چگونه بی او سر کنیم؟»

## هشت فروردین روز حذف یکی از گولهای غرب آسیا در استادیوم آزادی

■ پیمان سلیمی

روز شنبه هشت فروردین ۱۳۸۸ دو تیم ایران و عربستان در حالی به مصاف هم می روند که ایران با شش امتیاز در مکان سوم و عربستان با چهار امتیاز در مکان چهارم گروه خود قرار گرفته اند. شاید تا پیش از شروع این بازی ها همه مکان اول و دوم این گروه را متعلق به دو تیم از بین تیم های گرهی جنوبی، ایران و عربستان می دانستند.

تیم کره جنوبی همانند قبل با اقتدار در مکان اول ایستاده است و این بار کره شمالی است که با برد تیم عربستان در بازی قبل در مکان دوم جدول قرار گرفته است و نام خود را به عنوان یک مدعی در این گروه مطرح کرده است. حالا دو تیم ایران و عربستان برای دفاع از حیثیت خود باید یک بار دیگر در ورزشگاه آزادی در مقابل هم به میدان بروند. ورزشگاهی که برخی تفسیرگران ورزشی به آن پرهیبت ترین استادیوم آسیا لقب داده اند. این بازی حکم مرگ و زندگی را برای این دو تیم دارد. حتی نتیجه ی مساوی هم نمی تواند به کسی کمکی بکند و فقط پیروزی می تواند تنها راه برای رهایی از مکان سوم و یا چهارم باشد.

ایران و عربستان را قدرت های فوتبال غرب آسیا می نامند که حرفی گزاف نیست. این دو تیم هر گاه





هدایت علی دایی آن چنان که باید نتوانسته ذائقه‌ی سختگیر فوتبالدوستان ایرانی را برآورده کند. ملی پوشان کشورمان نیز با سه تساوی برابر عربستان، امارات و کره جنوبی و فقط یک پیروزی مقابل کره شمالی در میانه‌ی جدول رده‌بندی قرار گرفته‌اند.

عربستانی‌ها ناصر الجوهری سیه‌چرده کلاه بر سر را که همراه آخرین تیر ترکش‌شان بود و بعد از تمامی مربیان گران‌قیمت خارجی می‌آوردند، این بار خلع کردند. ناصر الجوهری به دلیل کسب نتیجه‌های بسیار ضعیف کنار گذاشته شد تا دلارهای صحرا به شماره حساسی در



رو به روی هم قرار گرفته‌اند دیدارهای حساسی را پدید آورده‌اند و تماشاگران بسیاری را به ورزشگاه‌ها کشانده‌اند. بماند که عربستانی‌ها سه بار جام قهرمانی آسیا و چهار بار کسب پروانه‌ی ورود به جام جهانی را پس از گذر از دروازه‌ی طلایی ایران به چنگ آورده‌اند.

می‌داند شاید آخرین!

در حقیقت باید گفت نبرد ایران و عربستان نبرد مرگ و زندگی برای دو تیم از دو منظر است. جنگ اول میان دو تیم ملی است که هر کدام در صورت باخت در آستانه‌ی وداع با جام جهانی قرار می‌گیرد. جنگ دوم اما در جبهه‌ی مربیان تیم است، جایی که علی دایی می‌خواهد با پیروزی برابر عربستان خیلی چیزها را ثابت کند اما در صورت باخت برای شهریار فوتبال ایران بسیار گران تمام می‌شود و مطمئناً خود دایی می‌داند که منتقدانش دندان تیز کرده‌اند تا در اولین فرصت ممکن تیشه‌ای اساسی بر ریشه‌اش بزنند. در سوی دیگر، «خوزه پسیرو» مربی پرتغالی عربستان که جانشین جوهر شده و پول زیادی هم از عرب‌ها گرفته و البته قول‌های زیادی هم به آنان داده حتماً باید پیروز میدان باشد، چه وضعیت عربستانی‌ها پس از باخت مقابل کره شمالی مناسب نیست و چه بسا اگر پسیرو هم در این دیدار حیاتی نتیجه نگیرد او نیز مانند سایر همتایانش به سرعت از کار برکنار شود.

با این دیدگاه‌ها قطعاً جدال هشتم فروردین ۱۳۸۸ یکی از حساس‌ترین بازی‌های ایران و عربستان نام خواهد گرفت، حتی اگر حسین کعبی و یاسر القحطانی غایبان بزرگ آن لقب گرفته باشند. نبردی میان فوتبال عربستان که تاکتیک و جنگ‌های روانی رکن اصلی آن به شمار می‌رود، و فوتبال ایران که همواره مبتنی بر قدرت و تکنیک بوده است. نتیجه‌ی این دیدار بی‌گمان حذف یکی از گول‌های آسیا از جام جهانی آفریقای جنوبی را رقم خواهد زد... این را همه می‌دانند.



ISNA

ISNA/PHOTO: SAMAN AGHVAMI

اما شاید تولد رسمی عربستان در ذهن فوتبالدوستان ایرانی به لحظه‌ای برمی‌گردد که شاهین بیانی، دفاع راست ایران در جام ملت‌های آسیا سال ۱۹۸۴، در لحظات پایانی به اشتباه دروازه‌ی خودی را گشود تا علاوه بر پاک کردن گل برادرش، شاهرخ بیانی، ستاره‌ی تیم ملی ایران، پایه‌گذار اولین بُرد رسمی عربستان مقابل ایران هم باشد. عربستان با برد در ضربه‌های جریمه (پنالتی) مقابل ایران و صعود به دور پایانی، اولین جام آسیایی خود را فتح کرد. این برد استراتژیک پایه‌گذار موفقیت‌های بعدی آنان در آسیا بود. عربستان نسبت به سایر تیم‌های عرب چون بحرین، امارات، قطر و ... فوتبال زیباتری ارائه می‌دهد چرا که استعدادهای ناب‌تری در این شبه‌جزیره مشاهده می‌شوند. نبرد هشتم فروردین ایران و عربستان در هنگامه‌ی بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ از آن جهت حساس‌تر شده که این تیم عربی تاکنون دو شکست از دو کره، یک تساوی برابر ایران و تنها یک پیروزی مقابل امارات حاصل‌کارش بوده تا در گروه پنج تیمی، جایگاه چهارم سهمش شود. از آن سو، تیم ایران نیز با

غذای عالی ایتالیایی در محلی زیبا و مجلل با محیطی صمیمی

**ARIA**  
ristorante • pasta • grill

C01-700, rue de la Gauchetière, Montreal, Québec, H3B 4L1  
Metro: Square-Victoria Tel: (514) 871-3846

**رایاتک**

متخصص تبلیغات و بهینه سازی روی گوگل (Google)

- پشتیبانی وب
- طراحی وب سایت
- تبلیغات روی اینترنت
- بهینه سازی روی جستجوگرها (SEO)

tel. 514.975.2111  
info@Rayatec.net  
www.RayaTec.net



زنده‌یاد دکتر شادمان به جوانان بسیار علاقه داشت و به آنان بسیار توجه داشت. به عنوان نمونه نگارنده کمتر از دو سال پیش با دکتر شادمان آشنا شد. هر وقت به جلسه یک‌شنبه‌ها می‌آمدم دکتر شادمان به روال خودش می‌آمد و با همه سلام و احوال‌پرسی می‌کرد. با توجه به این که سن من از دیگر شرکت‌کنندگان کمتر بود سرش را زیر گوش من می‌آورد و به آرامی می‌گفت: ممنون که می‌آیی و میانگین سنی جمع را پایین می‌آوری. وقتی در زمستان هوا کمی گرم‌تر می‌شد و شرکت‌کنندگان جلسه‌های انجمن بیشتر می‌شد دکتر شادمان به شوخی می‌گفت: هوا گرم شد و مورچه‌ها درآمدند!



دکتر ضیاءالدین شادمان

بهزاد مستوفی می‌گوید سال گذشته که من هنوز مجرد بودم روزی دکتر شادمان را به خانه‌ی دانشجویی‌ام دعوت کردم. دکتر هم دعوت مرا پذیرفت اما فراموش کرده بود که همان روز به عروسی یکی از آشنایانش هم دعوت شده بود. اما به خانه‌ی من آمد. از مجلس عروسی چند بار تلفن کردند و گفتند دکتر کجایی؟ بیا بییم دنبالت. گفت نه من به این جوان قول داده‌ام و نمی‌توانم زیر قولم بزنم. خلاصه دکتر شادمان شام مجردی مرا با مجلس عروسی عوض نکرد. سید رهی مدیرنیا، از جوانان ایرانی مونترال، می‌گوید چند روز پیش از حادثه‌ای که منجر به بستری شدن دکتر شادمان شد، برای هماهنگی کارهای جشن نوروز امسال یک روز سرد زمستانی به خانه‌شان رفتم. در زدم. پشت در شیشه‌ای ایستاده بود

و نگاه می‌کرد. گفتم جناب دکتر در را باز کنید. هوا سرد است. بشکن می‌زد و ابرو می‌انداخت که نه! بالاخره در را باز کرد. گفتم آقای دکتر من هم مثل شما سید هستم. خدا را خوش نمی‌آید ما را اذیت کنید. گفت تو سیدی اما من سید جلیل‌القدر هستم!

و بالاخره آن که روشن تیموریان، رییس انجمن تاجیکان کانادا، بر این باور است که «دکتر شادمان ایران بزرگ باستان را در غربت بازسازی کرد. او ایرانی و تاجیک و افغان و همه را گرد هم می‌آورد. وقتی از بخارا و سمرقند و خجند و ... سخن می‌گفتی دکتر شادمان به وجد می‌آمد و چشمانش برق می‌زد. دکتر شادمان در قلب همه جا داشت. به یاد او می‌گویم: ترا چون بخارا دوست دارم ای پیر تهرانی!»

\* برای عکس‌های این مطلب از خانواده‌ی گرمی گرمی دکتر شادمان، به ویژه همسر گرمی ایشان، از عکاسی فتو شاپ به مدیریت خانم و آقای قربانیان و هم چنین از آقای علی‌اشرف شادپور سپاسگزاریم.

## زندگی‌نامه من

سید ضیاءالدین شادمان فرزند مرحوم سید ابوتراب و مرحومه صدیقه. متولد پانزدهم آذر هزار و سیصد و دوی شمس. تهران. محله پامنار. کوچه حیات شاهی. تحصیلات ابتدایی مدرسه رودکی تهران تحصیلات متوسطه دبیرستان دارالفنون



تهران  
تحصیلات عالیہ دانشکده حقوق دانشگاه تهران  
دوره دکترا دانشکده حقوق دانشگاه سوربن پاریس  
پایان‌نامه دکترا اتحادیه کارگری در ایران  
رشته اقتصاد اقتصاد کارگری و بیمه‌های اجتماعی

### امور ورزشی:

قهرمان کشور در رشته‌های والیبال و بسکتبال  
عضو تیم ملی بسکتبال ایران و شرکت در بازیهای المپیک سال ۱۹۴۸ لندن  
رییس فدراسیونهای والیبال و بسکتبال کشور  
عضو کمیته ملی المپیک ایران  
معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران

### امور تعلیم و تربیت

استاد انستیتوی علوم بانکی، دوره فوق‌لیسانس رشته بیمه  
اولین مترجم مقررات بین‌المللی والیبال و بسکتبال  
ترجمه مطالب تاریخی برای نشریات  
مترجم کتاب به پاخواستگان

### امور مربوط به وسائل ارتباط جمعی

تهیه و اجرای برنامه روزانه اخبار ورزشی رادیو ایران  
اولین مفسر و گزارشگر مسابقات ورزشی بطور زنده  
تهیه برنامه هفتگی «رضا شاه در پیشگاه تاریخ» سیاسی  
تهیه برنامه هفتگی «شهری در دل شهر ما» اجتماعی و تربیتی  
تهیه برنامه روزانه «چرا کارفرما نشویم» کارگری

### عضو

هیئت ۵ نفری انتخاب بهترین برنامه‌های سال رادیو ایران  
مشاغل دولتی و ملی  
کارمند وزارت دارایی  
معاون سازمان جیره‌بندی  
عضو هیئت مدیره و معاون مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران  
مدیرکل وزارت دارایی  
مدیرعامل فروشگاه فردوسی  
نماینده حوزه جیرفت در مجلس شورای ملی  
عضو هیئت ریسه مجلس شورای ملی  
کارپرداز اول  
شهردار تهران  
استاندار استان مرکز  
معاون نخست‌وزیر در امور اجتماعی  
وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر در امور پارلمانی

### امور اجتماعی و مذهبی

موسس و دبیر انجمن تحصیلکرده‌های اروپا  
قائم مقام تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم

### وضع خانوادگی:

دارای ۴ فرزند:  
۱- شهاب‌الدین فوق‌لیسانس در رشته کمپیوتر از دانشگاه بوستون، و فوق‌لیسانس در رشته مدیریت از  
۲- حسام‌الدین فوق‌لیسانس در رشته بیوشیمی، فوق‌لیسانس در رشته مدیریت از دانشگاه ترنتو  
۳- فخرالدین دکتر در رشته داروسازی، فوق‌لیسانس در رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه مک‌گیل مونترال  
۴- صدرالدین فارغ‌التحصیل دانشگاه کلمبیا، دندان‌پزشک، متخصص در ارتودونسی

مهم ترین نکته این است که اگر ایده ای در سر دارید برای اجرای آن کاری انجام دهید در غیر این صورت ایده تان بی معنا خواهد بود. زمانی که دست به کار میشوید جریان کار، ایده های جدیدتری به ذهن تان خطور می کند و با تکرار این چرخه شما راه حل مشکلات و پاسخ سوالات خود را می یابید. خلاقیت نتیجه شانس و اقبال نیست. نبوغ و خلاقیت حاصل تمرکز، تصمیم، اشتیاق و علاقه است.

بسیاری از مردم معتقدند که نوابغ بزرگ، ایده های مهم خود را به طور ناگهانی از جایی نامعلوم الهام گرفته اند و تنها کاری که انجام داده اند این بوده است که ایده از آسمان رسیده را اجرا کرده اند. این نظر ناشی از عدم اطلاع از تاریخ تحولات علمی و صنعتی است. همه مخترعین و مکشفین بزرگ برای دست یافتن به یافته های خود، ده ها و صدها بار ایده های اولیه خود را به آزمایش گذاشته اند. برادران رایت، تنها برای ساختن بال هواپیمای خود، بیش از دویست طرح مختلف را امتحان کردند.

با تکرار و تمرین، مسیر گفتگوی درونی تان را تغییر داده و از این طریق خود را به نقطه صفر نزدیک کنید. این همان نقطه ایست که خلاقیت شما فرصت شکوفایی می یابد.

لحظه مهم در شکوفایی خلاقیت، زمانبست که دانش، تجربه و اندیشه در هم آمیخته و چراغ ذهن شما را روشن کند. برای روشن نگه داشتن این منبع نور، به برنامه ریزی دائم، تصمیم راسخ و تکرار آزمون و خطاهای بی شمار نیاز داریم.

کاسه چینی شش گوش با نقش های اسلیمی را برمیدارم و ظرف سمنو را خالی می کنم تویش. این را دم آمدن، رخساره برایم خرید:

- داداش اینو برات خریدم تا هر وقت حتی اگه توش غذای فرنگیم خوردی، یاد ایران بیفتی.

تلفن باز هم زنگ میزند.

- الو ... الو داداش ...

- رخساره، تویی؟!

- آره داداش خودمم. عیدت مبارک.

- عید تو هم مبارک. خوبی؟ همه خوبن؟ چرا حالا این ور سال زنگ زدی، نگران شدم.

ریز ریز میخندد.

- داداش سال جدید اومد تو هنوز از سر به سر گذاشتن من خسته نشدی؟ الان که به ساعت از سال تحویل گذشته.

تندی نگاهی به ساعت می اندازم، هنوز شش و نیم است و عقربه قرمز ثانیه شمار مثل ماهی گلی نیمه جان داخل تنگ سر جایش تکان تکان می خورد.

هنوز چند دقیقه ای تا سال تحویل مانده و سرگرم سفره می شوم. راستی آخرین بار کی بود که هفت سین چیدم؟ پارسال؟ دو سال پیش؟ یادم نمی آید. هفت سین مینیاتوری را با دقت روی میز وسط نشیمن می چینم. سبزه را از آشپزخانه می آورم و کنار سفره می گذارم. کیسه ماهی را خالی می کنم توی تنگ. یکی از ماهی ها به نظر حالش خوش نیست. افقی شده و روی آب تند تند تکان تکان می خورد. آینه خاتم را از دیوار جدا می کنم و با کهنه خاکش را می گیرم. بی اختیار یاد شعر امین پور میفتم. آه رخساره، یادت هست این را جلو آینه با هم می خواندیم:

آینه ها در چشم ما چه جاذبه ای دارند

آینه ها که دعوت دیدارند

دیدارهای کوتاه

از پشت هفت دیوار

دیوارهای صاف

دیوارهای شیشه ای شفاف

دیوارهای تو

دیوارهای من

دیوارهای فاصله بسیارند

آه ...

دیوارهای تو همه آینه اند

آینه های من همه دیوارند

به خودم می آیم. یک چهارراه بیشتر تا خانه راه نیست. داشتم فکر می کردم ماهی رخساره را آن سال چه کار کردیم. راستی چرا مامان آن سال مثل هر سال سمنو نپخت؟ چقدر توی ترافیک بودم؟ حسابش از دستم در می رود. ساعت را نگاه می کنم. شش و نیم است. هنوز یک ساعتی تا سال تحویل مانده. زیر چشمی کیسه ماهیها و ظرف سمنو را که با احتیاط روی صندلی جاسازی کرده ام می پایم. ماشین را بیرون جلو در پارک می کنم. با عجله پله ها را بالا می روم. به پشت در که می رسم، صدای ممتد زنگ تلفن را از داخل می شنوم. به سرعت کلید را داخل قفل می چرخانم.

با باز شدن در چند تا نامه ای که امروز صبح پستیچی به داخل انداخته، روی زمین پخش می شوند. کیسه ماهی و ظرف سمنو را روی میز کنار در رها می کنم و به سرعت به سمت تلفن می دوم. گوشی را برمی دارم، نفسی تازه می کنم ... الو ... اما تنها صدای بوقی منقطع از آن طرف به گوش می رسد. گوشی را می گذارم. به سمت در ورودی می روم و کلید را از قفل خارج می کنم. نامه های پخش شده را جمع می کنم. دو تا نامه از اداره مالیات، یک نامه از بانک و دو تا هم از موسسات خیریه برای مادام ژولیت مستاجر قبلی. آخه این مادام ژولیت کی می خواد این آدرسشو عوض کنه که هم ما به نفس راحتی بکشیم هم این موسسات خیریه به نوابی برسند. با خودم می گویم

## شیخ صالح سیبویه

دفتر ثبت و انجام مراسم ازدواج شرعی و رسمی (CIVIL)  
و امور مربوط به طلاق  
تصدیق امضاء تأیید اسناد و مدارک و ترجمه  
تأیید فرم گذرنامه کانادایی

Tel: (514) 366-1509

(514) 364-5075

210 ST-Jacques Ouest, Lachine

## راديو چكاوك

را هر يكشنبه شب از ساعت ۹ تا ۱۰

برروی موج AM ردیف ۱۲۸۰ بشنوید

www.chacavac.com

# نیازمندی‌ها

## فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

۹۲۷-۲۹۸۳	NMA Sat Iranian
فرش	
۳۸۵-۱۸۱۸	تهران
۲۷۷-۸۰۰۰	قصرفرش
۲۷۱-۷۷۵۰	Raymond & Hell
فروشگاه‌ها	
۶۲۰-۵۵۵۱	اخوان
۳۸۲-۸۶۰۶	ادونیس
۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸	افغانی
۹۲۳-۸۵۶۸	الشلال
۴۸۹-۳۲۲۶	راکی مونتانا
۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور
۳۶۹-۳۴۷۴	سن لوران
۴۲۱-۳۴۷۸	مارشه سیروس
۸۶۱-۳۴۷۴	مواد دریایی کاسپین
۹۳۲-۲۰۹۹	نور
۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	وطن
۸۴۵-۰۱۸۶	ویاند سن لورن
کامپیوتر	
۹۱۸-۴۷۳۶	انتر کام
۴۸۵-۱۰۰۰	انکس مدیا
۲۹۴-۸۲۴۲	آموزش کامپیوتر
۶۲۶-۷۵۰۶	برنامه نویسی - وب
۲۵۸-۸۱۸۶	بیژن جلالی
۹۷۵-۲۱۱۱	پیمان‌سلیمی‌طرحی‌وب
گل	
۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلاور-وحید
مجالس - جشن‌ها - سفره عقد	
۶۸۳-۸۵۵۶	هدیه
مراکز مذهبی	
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی
۷۷۷-۶۴۲۱	کلیسای شاهراه مقدس
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی-کنش عادل
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان
مشاوران املاک	
۴۲۱-۷۸۸۸	محمد اجزا چی
۲۹۶-۵۵۰۷	رویا اصفهانی
۹۷۹-۸۲۰۰	یعقوب اکبری
۵۷۶-۴۱۵۵	یاس انصاری
۴۹۷-۲۵۶۷	فریبا جانفزا
۸۱۴-۱۸۴۴	میترا چنگیزی
۹۹۸-۹۱۴۴	نعیمه چنگیزی
۲۰۷-۹۰۰۰	ژاله حافظی
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی
۴۵۸-۱۲۰۶	حسین فلسفی
۴۶۶-۶۰۰۰	پرویز قائمی
۹۲۶-۲۸۱۰	ایرج قانعی
۸۸۰-۷۱۷۱	سحر کریمیان
۸۰۲-۲۳۴۹	سوسن گوئل
۴۲۶-۴۵۴۵	هلن گیور گیس
۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزنیا
۸۶۵-۷۱۴۶	رضا نژاد

۸۴۹-۵۶۶۱	کی بی ترانسپورت
خشک شویی و خیاطی	
۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus
دندان پزشکی	
۹۳۳-۳۳۳۷	مهری حیدری
۹۳۳-۳۳۳۷	شهرزاد رضا نیا
۶۸۴-۱۰۳۵	معصومه دولت‌شاهی
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی
۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیعی
۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میر موجی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی مهیو
دندان سازی	
۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی
رسانه های گروهی	
۸۴۸-۱۷۷۱	بازار
۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه
۹۹۶-۹۶۹۲	پیوند
۳۸۵-۴۷۲۶	تلویزیون
۷۸۷-۸۸۴۸	رادبو چکاوک
۷۸۷-۸۸۴۸	چکاوک هفته
رستوران- پیتزا - کیترینگ	
۶۷۰-۸۴۰۰	پارس
۴۸۹-۸۴۸۴	پریشا
۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	چوپان کباب
۳۴۳-۰۳۴۳	دابل پیتزا
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۴۸۵-۲۹۲۹	شیراز
۶۷۷-۴۷۲۶	کیترینگ ظریف
۲۷۰-۸۴۳۷	فاروس
۴۸۳-۶۹۹۰	کارون
۹۳۳-۰۹۳۳	کباب سرا
۴۸۳-۰۰۰۰	کپلی
۴۸۴-۸۰۷۲	کلبه عمو جمال
۸۴۹-۱۳۳۵	گورمه گرک
۸۰۷-۸۷۴۷	گیلان
۳۶۳-۴۴۴۴	کی ملو
۸۴۶-۱۹۴۷	نیلوفر
۳۱۵-۷۹۹۴	۴۲۰ Cafe
۴۸۲-۰۷۷۷	Andy's restaurant
روانشناس - روان گاو	
۲۲۳-۶۵۴۲	حمیرا قاسم نژاد
مهناز کاظمی	
۸۴۹-۷۳۶۸	سی.دی - ویدئو
تپش دیجیتال	
۲۲۳-۳۳۳۶	فتوکپی - عکاسی ، ویدئو و ماهواره
۴۰۸۶-۴۵۰(۴۵۰)	آدیو ویدئو کبک
۲۲۳-۳۳۳۶	تبدیل سیستم های ویدئویی
۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکپی ان دی جی
۸۴۶-۰۲۲۱	فتو شاپ
۴۸۸-۷۱۲۱	رز
۹۶۲-۷۳۹۲	رضا بلادی
۴۸۵-۳۳۳۴	یو.ان ستلایت

۹۵۲-۲۱۶۵	مدرسه دهخدا
۷۲۱-۰۱۲۰	مدرسه گالیه
آموزش (راندنگی)	
۹۸۹-۲۱۲۱	امگا
۹۳۷-۲۸۸۸	ناسیونال
۸۰۷-۲۷۸۳	Best
۵۶۸-۳۸۴۸	cool driving
آموزش (نقاشی)	
۹۳۸-۸۰۶۶	حمیرا مرتضوی
بیمه و سرمایه گذاری	
۸۸۵-۴۳۶۸	هادی اسلامی وطن
گروه مالی انصاری ۲۲۵:EXT:۲۰۷۰	۴۸۳
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد
۵۶۲-۲۳۴۰	پژمان اسدی
۹۲۴-۸۳۶۸	سمیرا مظفری
۹۲۷-۳۵۰۴	سهراب مهماندوست
۹۳۱-۴۲۴۲ EXT: ۲۲۹۴	مریم سلیمانی
پزشکی	
۴۸۱-۰۶۷۱	فرهت- عینک سازی
۴۶۶-۱۸۸۰	میرا - کلینیک
پزشکی جایگزین	
۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرساو-همیوپت
۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم-علی سلیمی
۹۹۴-۳۲۰۱	هیپنوتیزم-دکترملک
۲۲۵-۳۸۸۳	انرژی درمانی
تابلو سازی	
۹۳۱-۷۷۷۹	پلکسی
۹۳۱-۹۸۳۴	حمید
ترجمه	
۲۴۶-۸۴۸۶	محمود ایزدی
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل‌داری یکتا
۸۸۹-۸۷۶۵	نغمه سروران
۵۷۵-۷۰۸۰	رضا نوشاد جمال
دارو خانه	
۲۸۸-۴۸۶۴	لوئیز داداش زاده
دکوراسیون منزل و محل کار	
۷۸۴-۰۲۵۷	میترا معینی- طراحی داخلی
۶۸۵-۹۹۷۹	A & B (پرده و ....)
دعوتنامه رسمی	
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
جواهری	
۹۳۹-۲۷۰۰	نیک آذین
حسابداری	
۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری
۴۸۶-۵۵۴۷	همایون خاتمی
۴۸۷-۱۵۶۶	شکیب نیا
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیعی
۴۹۲-۷۰۰۷	مجتبی میر عابدینی
۳۶۲-۰۳۸۲	ریاض حق
حمل و نقل	
۳۸۴-۵۶۳۲	پارس ماریتایم

اتومبیل (اجاره و فروش)	
۹۹۳-۷۰۸۵	اتو زین
۴۸۲-۴۵۰۰	الگانس
۴۸۲-۴۵۰۰	لیزینگ کمپانی
۹۹۰-۲۵۰۰	Auto Highlander
اتومبیل (تعمیرگاه)	
۵۷۸-۲۲۱۱	اتو راید
۴۸۴-۴۴۸۱	اطلس
۳۵۸-۱۷۹۱	تعمیرات وست آیلند
۹۲۵-۲۸۲۹	لوازم یدکی آلفا
آرایشگاه-زیبایی-اسپا	
۵۷۷-۷۴۰۲	آموزش آرایش
۵۵۱-۰۰۸۸	اکسپرت
۴۵۰-۶۷۸-۴۹۵۳	پریسا
۶۲۶-۸۶۶۶	خانه زیبایی فریده
۸۴۰-۰۹۰۹	خدمات زیبایی رشیدیان
۵۲۲-۵۲۵۲	زارا
۴۸۱-۶۷۶۵	زهرا
۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۳۳۳-۷۳۰۹	سیروس
۴۸۹-۶۹۰۱	شهرزاد
۹۷۵-۳۰۰۲	منیژه استتیک
۸۴۰-۰۹۰۹	مون رویال
۴۶۵-۷۱۳۴	Mira
۷۷۲-۵۷۸۷	Esthemedica
ارز	
۸۴۸-۵۹۹۹	ام با ام
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۸۴۶-۰۲۲۱	پنج ستاره
۹۸۹-۲۲۲۹	خضر
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۴۸۵-۶۰۰۰	مانی وایز
ازدواج و طلاق	
۳۶۶-۱۵۰۹	شیخ صالح سبویه
آژانس های مسافرتی	
۲۴۲-۰۴۴۸	امیر- اسکای لان
۲۷۰-۴۷۲۶	افروالمپیک
۹۳۸۷۲۷۷	پارس تورز
۳۹۷-۹۲۲۱ EXT: ۲۴۳	نسرین پارسا
۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶	فرناز معتمدی
۳۴۴-۸۸۸۸	گام
۴۲۱-۰۲۴۴	Amro Travel
الکترونیکی (تعمیرات)	
۴۲۶-۴۵۵۲	الکتروتک
۴۲۸-۰۶۵۰	امید
۵۲۷-۸۸۱۴	سولوسپون پلاس
آموزش	
۷۳۹-۳۰۱۰	انستیتو تکنیک
۳۶۸-۹۰۱۲	پروین عبائی- فارسی
۹۳۷-۱۷۷۷	کالج ابو علی سینا
۸۶۸-۶۲۶۲	کانادا کالج
۹۶۲-۳۵۶۵	مدرسه فردوسی
۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند



**استخدام**  
آدیو ویدئو کبک به یک همکار  
برای بخش فروش نیاز دارد  
پرداخت خوب پایه +  
پورسانت  
**(450) 691-8801**

**استخدام**  
رستوران کپلی شماره 2  
یک کمک آشپز استخدام  
می کند  
**989-8580**

**استخدام**  
ناوایی سنگکی شاطر عباس  
به یک کارگز نیازمند است.  
**894-8372**

**حسابداری فرهمند**  
مالیات 2008 را انجام  
نداده اید؟  
حسابداری فرهمند در  
خدمت شماست  
**844-9731**

لوله کشی و تعمیرات  
**مناسب**  
نوسازی و تعمیرات ساختمان  
خود را به ما بسپارید  
**(514) 337-3166**

آپارتمان دو خوابه بزرگ، با  
چشم انداز مرکز شهرمونترال و  
کلیسای سن ژوزف.  
در St-Laurent Ville، حوالی  
Côte-Vertu / Montpellier  
استخر، سونا، جکوزی، سالن  
ورزش، دیش ماهواره ایرانی  
شامل همه مخارج از قبیل شوفاژ،  
برق، تلویزیون  
**514-561-6408**

مسعود نصر	۵۷۱-۶۵۹۲
داود وثوقیان	۶۰۸-۳۲۶۸
فیروز همتیان	۸۲۷-۶۳۶۴
<b>نان و شیرینی</b>	
سرای ۵۹	۴۸۳-۶۵۵۵
نخودچی	۹۸۹-۷۵۱۴
<b>نو سازی و تعمیرات ساختمان</b>	
تی.ام.ان	۸۳۵-۶۲۴۳
ایرکا- فرهاد زرعی	۵۷۳-۸۱۱۸
انواع سنگ	۹۹۶-۲۷۲۵
خدمات ساختمانی احمد	۲۹۸-۱۳۹۳
تعمیرات ساختمانی رضا	۴۷۶-۳۷۲۶
خرید ضایعات - حامد	۸۱۵-۶۲۳۴
تعمیرات ساختمان مناسب	۳۳۷-۳۱۶۶
<b>نظافت منزل و محل کار</b>	
F & H	۶۹۶-۲۶۱۹
<b>موسیقی : ساز- آموزش</b>	
آموزش موسیقی-داوری	۴۶۶-۱۳۲۷
آموزش دف و آواز	۴۸۵-۰۷۳۹
آموزش موسیقی-سرایی	۶۸۳-۴۴۵۷
آموزش پیانو-قرچه داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
آموزش پیانو-متین	۵۲۶-۱۰۳۷
نقاشی و تعمیرات پیانو	۹۰۹-۶۲۶۴
<b>مشاور مهاجرت</b>	
فیوره بلانژه	۷۴۴-۰۸۲۵
ماریا کتنه	۶۵۶-۸۱۷۸
علی مختاری	۶۵۱-۴۷۲۶
<b>وکیل - مهاجرت</b>	
گلشاد درودی	۲۸۸-۴۰۵۰
روشیا عشریه	۳۷۷-۰۴۹۰
شوکا عشریه	۸۸۶-۳۸۲۶
علی غلامپور	۳۹۵-۰۵۲۲
امیر کفشاران	۶۷۶-۸۱۷۸
ونسان والایی	۹۵۴-۹۹۹۸
<b>وام مسکن</b>	
بهرز آقاباباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶
<b>وب سایت و شبکه</b>	
Dream Media	۸۶۲-۶۶۴۲

**ST-VITAL CAR WASH**

کارواش سینت ویتال : راهی که به رفتنش می ارزد!  
با امکانات تکنیکی استثنائی و آتلیه مجهز شستشو و زیباسازی اتومبیل  
با ۸ سال سابقه- با مدیریت ایرانی  
هر روز: ۸ صبح تا ۷ شب  
یکشنبه ها : ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

Auto: Ext.	\$ 6.99	Ext. / Int.	\$12.99
Mini Van: Ext.	\$11.99	Ext. / Int.	\$14.99
Van: Ext.	\$12.99	Ext. / Int.	\$17.99
TAXI: (SPECIAL) Ext.	\$ 5.99	Ext. / Int.	\$ 7.99

شستشوی موتور، شامپوی کامل، پالیشینگ، واکس دستی و ... با بهترین قیمت  
9924 St.Vital, Mtl-Nord (St.Michel and Pie IX /Corner Industriel)  
**514-322-9924**

**قابل توجه شرکتها و موسسات بازرگانی ایرانی**  
هفته آگهی های استخدام را بطور رایگان چاپ می کند

---

**قابل توجه همشهریان عزیز**  
می خواهید خانه خود را اجاره دهید؟  
می خواهید اتومبیل یا ملک خود را بفروشید؟  
هفته آگهی های شخصی و غیر تجاری شما را بطور رایگان چاپ می کند

با ما تماس بگیرید  
**۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸**  
**info@hafteh.info**

**اجاره آپارتمان**  
آپارتمان سه خوابه در  
**Pierrefonds**  
اجاره داده می شود  
اجاره بها:  
ماهانه 1150 دلار  
**(514) 825-1354**

**آپارتمان سه خوابه در**  
**Côte Saint-Luc**  
کاملا بازسازی شده، در  
موقعیتی استثنائی  
ماهانه 1300 دلار  
**(514) 651-4726**

## Journal HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal

27 Mar. 2009, numéro 42 / 27 Mar, 2009, Issue No.42

### Table des matières 42

Le mot de la semaine: La commémoration de Dr. Seyed Ziaoddin Shadman.- AliAshraf Shadpour  
Les nouvelles du Québec et du Canada  
Les nouvelles des iraniens à Montréal  
Un entretien spécial avec Amir Khadir- Ali Sharifian  
Un entretien avec Dr. Kazem Vadiie à propos de Dr. Ziaoddin Shadman- Marzieh Rahmani  
Quelques mémoires de Dr. Ziaoddin Shadman- Youssef Amiri  
Une petite histoire de la part d'un lecteur : Rokhsareh – Hamid Bahrami  
La page littéraire – Ehsan Daneshyar  
Comment gérer notre cerveau? Dix-septième partie- Farahnaz Heidarpour  
La page du savoir et de la technologie - Mostafa ModirRousta  
La page verte – Asra Toubaie  
La page du sport- Hadi Motebassem  
La page du sport- Peyman Salimi  
Table des matières en anglais et en français

### Index issue 42

Word of the Week: Honoring Dr. Shadman's legacy - Aliashraf Shadpour  
Quebec and Canada News  
What's happening in our community?  
Exclusive interview with Dr. Amir Khadir - Ali Sharifian  
Dr. Kazem Vadiie on Dr. Shadman - Marzieh Rahmani  
Remembering Dr. Shadman - Yousef Amiri  
A short story from our reader: 'Rokhsareh' - Hamid Bahrami  
Literary page: a look at a story called 'Rosvaie' - Ehsan Daneshyar  
How to manage our brain, 16th part - Farahnaz Heidarpour  
Science and Technology page - Mostafa Modirrosta  
Green page: an unusual way to preserve Iranian wild ass - Asra Toobaie  
Sports: Mourning a Montrealer who was a basketballist - Hadi Motebassem  
Sports: Elimination of a giant - Payman Salimi  
Classifieds  
Index in French and English

Publication/Publisher:

HafteH Journal

Rédacteur, -trice/Editors: **Leili Khaghani et / and Yusef Amiri**

Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**

Désigner/Designer: **BehGraphics.com**

Art-directeur/Artistic director: **Behrouz Zamani**

Couverture / Cover : **B. Zamani**

Photo : **S.A. Reza Beladi**

Webmaster: **Payman Salimi· Arman Motaghi**

6960 Sherbrooke W. #15  
Montreal Qc H4B 1R2

**(514) 787-8848**

**ISSN 1918-4379 HafteH**

General: [info@hafteh.info](mailto:info@hafteh.info)  
Editorial: [editor@hafteh.info](mailto:editor@hafteh.info)  
Advertising: [ad@hafteh.info](mailto:ad@hafteh.info)  
Website: [www.hafteh.info](http://www.hafteh.info)

**Editorial team :** Masoud Bastani,  
Tina Farshadgozar, Negar Ghadimi,  
Hamideh Ghiasvand, Mohammad Jabbari,  
Mostafa Modirrousta, Hagh, Pasha Javadi,  
Payman Salimi, Ali Sharifian, Solmaz Shakerifard

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:  
Mr. Hamid Bahrami, Mr. Ehsan Danshiar,  
Mrs. Farahnaz Heidarpour, Mr. Hadi Motebassem,  
Mr. Aliashraf Shadpour, Mrs. Tahereh Motebassem,  
Mrs. Asra Toubai

Convention du service Poste-Publications

NO 41740020

Retourner les Articles non distribuables à ma société :

6960 Sherbrooke O Suite 15

Montréal QC, H4B 1R2

**WWW.HAFTEH.INFO**



## "میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ  
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب  
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سمی، جایی که می توانید سبد  
خرید خود را پر از میوه کنید اما  
کیف پولتان را خالی نکنید

از پنجشنبه ۲۶ فوریه ۲۰۰۹  
در آدرس جدید شعبه لاوال  
در خدمت شما



**Laval**  
1550 Boulevard Daniel-Johnson  
Laval, QC, Canada  
(450) 978-1333



**Lasalle**  
400 avenue Lafleur,  
Lasalle, QC H8R 3H6  
(514) 368-1333

**Nord-est Montréal**  
8200 19E Avenue,  
Montréal, QC H1Z 4J8  
(514) 374-2215

**Head Office**  
1505 rue Legendre Ouest,  
Montréal, QC H4N 1H6  
(514) 858-6363

# SAMI



# FRUITS



# HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal  
A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal  
Vol.1 - No.42 - Friday March 27, 2009

ISSN 1918-4379 HafteH



La Fondation Sokhan-e-Azad presente

**Alireza Ghorbani  
& Shiraz Ensemble** 

Samedi le 18 Avril 2009 – 19:30 Theatre Gesu  
1200 Bleury Metro Place des Arts . 514 861 4036

Saeed Kamjoo: Kamanche, Gheychak  
Pedram Khavarzamani: Tombak  
Shahin Fayaz: Rabab  
Nima Rahimani: Santur  
Araz Salek: Tar

Billetterie Gesu : (514) 861-4036 – (514) 678-4030  
Tapes Digital: (514) 223-3336 \$ 30, Etudiants \$25  
[gesu.net/spectacles2.htm](http://gesu.net/spectacles2.htm) – [gesu.net/billetteriez.htm](http://gesu.net/billetteriez.htm)